





## سالانه انجمن هنرمندان سفالگر

**برگزار کننده/ انجمن هنرمندان سفالگر با**  
همکاری مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
**دبیرنمایشگاه انبساط/ یاسر رجبعلی شورای برنامه ریزی/ فرزاد فرجی،**  
**صادق باقری، یاسر رجبعلی، مجتبی قربانی شاه کوچکی، آرزو حاجی علی محمد زرگر**  
**دبیرخانه/ انجمن هنرمندان سفالگر**  
**مدیر هنری/ سعید بابوند طراح گرافیک/ شکوفه معینی**  
**عکاس/ مجید شاهبدافی ترجمه/ نرگس مرندی**  
**روابط عمومی/ صادق باقری، آرزو زرگر**  
**با سپاس از/ متین فرشادفر، فرناز میرفخرایی، فاطمه سیامی، نگین خدادادی، رمینا پیشوازاده، محمدرضا کریم**

هرگونه کپی برداری از کتاب و تکثیر منوط به اجازه رسمی و کتبی از انجمن هنرمندان سفالگر و خلاف آن پیگرد قانونی دارد.  
نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است. حق انتشار کتاب برای انجمن هنرمندان سفالگر محفوظ است.



فازنی هنرمندان ایران  
www.fanartists.org



موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر  
INSTITUTE FOR PRODUCTION OF VISUAL ARTS



مرکز هنرهای تجسمی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



انجمن هنرمندان سفالگر

## تحول انگاره

- حمید جبلی /// ۱۲  
محمود محرومی /// ۱۶  
رجحانه حسینی /// ۱۸

## ناکجایی

- غزال رادپی /// ۵۴  
یاسر رجبعلی /// ۵۶  
محمدالله فاریابی /// ۵۸

## تکثر

- کوروش آریش /// ۲۴  
بهزاد اژدری /// ۲۶  
دلارام پیروز /// ۲۸  
رضا تائبی /// ۳۰  
مرضیه تقی‌خانی /// ۳۲  
محسن توحیدی /// ۳۴  
نقیسه خلیج /// ۳۶  
معصومه رضازاده /// ۳۸  
بهروز زیندشتی /// ۴۰  
مجید فداییان /// ۴۲  
هادی محبعلی /// ۴۴  
اولدوز نبی‌زاده اصل /// ۴۶  
هیربید همت‌آزاد /// ۴۸

## نگران

- رضا اکبری /// ۶۲  
زهرا امانی /// ۶۴  
مهرناز پرتوی /// ۶۶  
رضا پورحسینی /// ۶۸  
هانی تاج /// ۷۰  
عاطفه جعفری /// ۷۲  
علی جمالی /// ۷۴  
جعفر رضازاده /// ۷۵  
میلاد عزیزی /// ۷۶  
زهرا غفاری /// ۷۸  
سمانه مرحبا /// ۸۰  
ماهان مقصودی /// ۸۲  
فروغ نوعی /// ۸۴



فواد نجم الدین  
منتقد و تصویر پژوه

Foad Najmedin

## بسط معنایی سرامیک در چهار منزل

در نگاه نخست نمایشگاه انبساط، که متشکل از ۴ مجموعه به کیوریتوری چهار هنرمند تأثیرگذار طی سالیان فعالیت انجمن هنرمندان سفالگراست، بازتابی از مجموعه تلاش‌ها، تجربه‌گری‌های این هنرمندان و اعضای انجمن محسوب می‌شود؛ اما شاید توصیف نمایشگاه از دیگر منظر مشاهده و مواجهه با آن را برای مخاطب معنایی دیگر بخشد؛ اینکه آنچه در هر مجموعه کیوریتوری به نمایش درآمده، نسبت و معنایی ساختارمند با دیگر گروه‌ها دارد و این چهار گروه یا مجموعه، نه در چهار مسیر اتفاقی، بلکه در چهار جهتی شکل گرفته است که ربط و نسبت مستقیم با سوگیری‌های اصلی انجمن دارد و به صورت مجزا نیز هریک از این سوگیری‌ها در نسبت معنایی با سه مجموعه و سه جهت‌گیری دیگر قابل تعریف است.

انجمن هنرمندان سفالگرایان از آغاز تأسیس همواره اهدافی را به عنوان راهبرد اصلی پیش روی خود داشته و با رویکردها و روش‌های متنوعی که به مقتضای زمان یا نگرش‌ها و ذائقه‌های اعضای فعال تغییرات جزئی داشته، به سوی دستیابی به این اهداف گام برداشته است. مهمترین این اهداف را می‌توان کوشش برای تعریف سرامیک به مثابه یک شاخه یا رسانه و یا ابزار هنری (با تعبیرهای متفاوت) دانست. نگاه عمومی جامعه به هنرمندان سفال در سال‌های آغاز فعالیت انجمن و همچنین نگرش غالب جامعه دانشگاهی سرامیک را بیشتر وجهی صنعت محور و کاربردی می‌دانست و تغییر این نگاه را به مثابه زیرساخت بنیادی بیشتر رویدادها و برنامه‌های انجمن در این سال‌ها می‌توان تشخیص داد. از دیگر سو دعوت اعضای انجمن به تجربه‌گری و یافتن مرزهای نو در سرامیک و مفاهیم پیوسته به آن مانند لعاب و فرم و مانند آن نیز از جمله دغدغه‌های اصلی قابل تشخیص در خلال برنامه‌های انجمن بوده است. به این تعبیری می‌توان مفهوم مرکزی که مورد توجه و پیشرانه بنیادی انجمن در تمامی این سال‌ها بوده است را مفهوم «توجه ذوقی به اجرا و رشد مهارت» معرفی کرد. تحلیل مفهومی این رویکرد در مربع معناشناسانه گومس آن را در بافت چهارگانی زیر قرار خواهد داد:


تکثر / ازدوری / اجرا (مهارت)

نگران / ضیایی / ایده

توسعه معنایی رویکرد بنیادی انجمن

تحوّل انگاره / حسینی / نا ایده

ناکجا / قجریان / خام دستی (بی مهارتی)

اگر اجرا و مهارت را رویکرد بنیادی انجمن بدانیم که حرکت عمومی برنامه‌های انجمن را شکل داده است، می‌توان مشاهده کرد که چطور متناسب با بسط معنایی چهارگانی این مفهوم، چهار مجموعه‌ی ارائه شده در نمایشگاه انبساط جایگاه می‌یابند.  بهزاد ازدوری در مجموعه‌ی تحت مدیریت خود با عنوان تکثر سخن از اهمیت مهارت و فن برده و زیبایی شناختی کردن آثار و مصنوعات را رهیافت اصلی خود در انتخاب آثار قرار داده است. شاید در میان چهار مجموعه‌ی ارائه شده در نمایشگاه، تکثر را بتوان حداقل در کلام و عنوان منطبق‌ترین رویکرد با حرکت و جهت‌گیری عمومی این سال‌های انجمن معرفی کرد.

رجحانه حسینی در انتخاب آثار خود در مجموعه تحول انگاره بیشتر به جستجوگری در معنای فرم در سرامیک و لعاب پرداخته است. او توده‌های گل را در قالبی شکل نایافته پخته و با افزودن لعاب به مثابه اثر نهایی ارائه کرده است. همچنین در اثر محمود محرومی می‌توان نوعی بازنگری در مفهوم فرم اثر سرامیک را در یک نگاه واسازانه مشاهده کرد.

مجموعه ناکجا به سرپرستی امید قجریان مفهوم مکان و وطن را به چالش کشیده است و با به نمایش گذاردن مجموعه‌ای از آثار محمدالله فاریابی کارگر کارگاه سرامیک در حاشیه تهران که با مهارت دست خود داستان‌هایی شخصی از دشواری‌های مهاجرت و بیمکانی در ایران را از زبان خود، مهاجر غیرقانونی اهل افغانستان، برکف ظروف سرامیکی، مضمون غالب مجموعه را بر این وجه از جایابی و تأثیر آن بر مواجهه با اثر قرار داده است.

مجید ضیایی نیز در مجموعه‌ی نگران با سرپرستی تعدادی پروژه‌های مفهومی سرامیک‌بنیان توسط هنرمندان جوان با مضمون غالب زیست محیطی کوشش کرده است ظرفیت‌های بیانی و مفهومی سرامیک در پرداختن به مضمونی بنیادی مانند محیط را بسط و گسترش دهد.

با فرض اینکه این نحوه صورت‌بندی چهار مجموعه درست باشد، مجموعه‌ی تکثر تقریباً با نقطه آغاز بسط مفهومی، یعنی همان نگاه مهارت‌محور و زیبایی‌شناختی منطبق خواهد بود. به این ترتیب در نقطه تقابل مفهومی با این رویکرد، مفهوم ایده قرار می‌گیرد که کاملاً با رویکرد غالب در مجموعه‌ی نگران به سرپرستی ضیایی قابل تطبیق است. همچنین در جایگاه تضاد با رویکرد اجرا و مهارت‌محوری، مفهوم خام‌دستی قرار می‌گیرد که به روشنی می‌توان آن را در مجموعه‌ی ناکجای قجریان مشاهده کرد. در این میان به نظر می‌رسد مجموعه‌ی تحول انگاره که به نحوی به جستجوگری مفهومی در فرم می‌پردازد، از سوی وامدار نقطه‌ی آغاز فرماندیش خود است که در واژگان و مفاهیم اشتراک فراوانی با نقطه‌ی آغاز، یعنی مجموعه‌ی تکثر دارد؛ و از سوی دیگری به چالش کشیدن این نقطه‌ی آغاز کوشش دارد ایده را بر خود مفهوم فرم و سرامیک بنیان بودن سوار کند که این مجموعه را به نحوی به مجموعه‌ی نگران ضیایی نزدیک می‌سازد. همین ویژگی که نوعی تعلیق میان مفهومی را در مجموعه‌ی انگاره‌ی تحول پدید آورده است، آن را به مجموعه‌ای تجربه‌گر، جسور و خطرپذیر و البته جذاب بدل ساخته است. مغزسخن همین نکته است که نباید شاخص شدن این چهار رویکرد از میان دیگر رویکردهای موجود در آثار هنرمندان معتبر و صاحب‌نام فعال در عرصه سرامیک را تصادفی دانست؛ در واقع این چهار مسیر، چهار امکانی بسط مفهومی رویکرد اصلی انجمن در سال‌های فعالیت هستند و به وضوح می‌توان تلاش دو نگرش حاکم بر مجموعه‌ی نگران و ناکجا را برای تغییر زمینه و تمایزیابی از هویت عمومی انجمن، تشخیص داد. حال آنکه تطبیق تمام و کمال مجموعه تکثر و نگرش اژدری به نحوی تکرار محافظه‌کارانه همان گام‌های آغازین انجمن است؛ کوششی که گویا هنوز نتوانسته پایانی برای این پروژه‌ی ناتمام در ذهن اژدری بیابد. همچنین کوچ نگرش سرامیک‌بنیان در تحول انگاره از تزئین‌گرایی و مهارت‌محوری به سوی تحلیل مفهومی فرم و سرامیک، کوششی کاملاً مدرنیستی تلقی می‌شود که تلاش دارد ضمن یافتن دغدغه‌های نوپویندهای مبنایی خود با نقطه عزیمت را نگسلد.

بر همین مبنا می‌توان با تحلیل دغدغه‌های بنیادی هر یک از مجموعه‌ها، ربط و نسبی که با دیگر سه مجموعه می‌یابد را بررسی کرد تا از این رهگذر ظرفیت‌ها و دایره عمل هر یک از این چهار نگرش روشنتر و آشکارتر شود:

# تکثر

اگر زیبایی شناختی شدن مبنای شکل‌گیری آثار مجموعه‌ی تکثر قرار گیرد، می‌توان مطابق نمودار، بسط معنایی آن را ترسیم کرد:

تکثر / زیبایی شناختی شدن

ناکجا / ضد زیبایی شناختی

بسط معنایی رویکرد مجموعه تکثر

تحوّل انگاره / اصرار بر زیبایی

نگران / بی‌توجهی به زیبایی

با محور قرار دادن تکثر و رویکرد زیبایی‌شناختی کردن مصنوعات سرامیک، می‌توان مشاهده کرد که چطور مجموعه‌ی ناکجا در برابر آن قرار می‌گیرد و نقطه‌ی تقابلی آن را اشغال می‌کند. تکثر این ایده را در مرکز عمل قرار داده است که هر سازهای که در جهان تولید مصنوعات سرامیکی قرار دارد، می‌تواند از بافت مصرف روزمره جدا شده و از منظر لعاب یا فرم به مثابه شیئی تزئینی کارکردی متعالیتر و البته منزوی‌تر بیاید. همین امرگذار از فرم‌های متعارف و روایت‌مند کردن آثار را دستورالعمل عمومی انتخاب آثار قرار داده است. دقیقاً در تقابل با این ایده می‌توان اصرار بر زیبایی‌شناسی‌زدایی را در مجموعه‌ی ناکجا قجریان مشاهده کرد. قجریان عامدانه بر نمایش خام‌دستی تأکید کرده است؛ محمدالله با توجه به تجربه‌ی حرفه‌ای خود توانایی قابل توجهی دارد؛ لیکن بیان تصویری کف ظروف خام‌دستی را به روشنی آشکار می‌سازد و حتی مواردی جزئی چون انتخاب قلم نوشتاری روایت‌ها در کنار آثار و انتخاب ظروف در اثر دیگر توسط یاسر رجبعلی این گرایش دوری از زیبایی فرمی متعارف را پیش چشم نگاه می‌دارد.

از این منظر مجموعه‌ی نگران بی‌بذل توجهی خاص، چه سلبی و چه ایجابی، از کنار مسأله زیبایی گذشته و به هدف اصلی خود در بیان دغدغه‌های زیست‌محیطی پرداخته است. تحوّل انگاره نیز رویکردی دیگر نسبت به زیبایی‌شناسی را برگزیده و زیبایی‌شناسی و فرم را به تجربه و جستجوی معرفتی بدل کرده است؛ جستجویی که بازتولید حس تجربه زیبایی‌شناسی را نه در ادراک، بلکه در فاهمه‌ی مخاطب پی می‌گیرد.

تحلیل‌گزینه‌های رجحانه حسینی

در تولید توده‌های ناتمام سرامیک لعاب‌اندود، فرم و ساختاری

محمود محرومی و عکس‌های حمید جبلی از فرایند آماده‌سازی گل، همگی رویکرد غالب

مجموعه‌ی تحوّل انگاره را برپرسش از فرم سرامیک بنیان متمرکز می‌کند و قرار دادن این مفهوم در نقطه آغازین بسط معنایی، آن را به خوبی در نقطه‌ی مقابل مجموعه‌ی نگران قرار می‌دهد که پرسش از ایده را مرکز جستجوی خود قرار داده است:

# تحوّل انگاره

تحوّل انگاره / پرسش از حدالنهایی فرم

نگران / پرسش از ایده

بسط معنایی مجموعه تحوّل انگاره

تکثر / عدم پرسش از ایده

ناکجا / عدم پرسش از فرم

آشکار است که علیرغم توجه بنیادی تکثر به فرم، از این صورت جستجوی رجحانه حسینی در «مفهوم» فرم، آنگاه که در تقابل با ایده قرار می‌گیرد، آشکارا تمایز می‌یابد. به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد که با وجود رابطه تقابلی، رابطه معنایی مجموعه‌ی تحوّل انگاره پیوند نزدیک‌تر و همسنگ‌تری با نگران برقرار می‌کند تا تکثر.

# نگران

تجربه مجید ضیایی تجربه‌ای مستمر و در ادامه تاریخچه‌ای است که سالیان گذشته کوشش می‌کرد با محور قراردادن مضامین مفهومی‌تر، از جریان عمومی انجمن فاصله بگیرد. رویکرد مفهومی تجربه مشترکی بود که امید قجریان و مجید ضیایی را به هم پیوند می‌زد و امروز در نمایشگاه انبساط به نظر می‌رسد مجید ضیایی کوشش کرده است در ایده محوری همچنان به آن پایبند بماند؛ حال آنکه قجریان در ناکجایی از این رویکرد فاصله گرفته و بیشتر به تجربه زندگی روزمره نزدیک شده است. به این ترتیب مجموعه‌ی نگران را می‌توان بهترین نماینده‌ی رویکردی معرفی کرد که در قالب امر معاصر یا به تعبیری معاصریت جای می‌گیرد:



به این ترتیب به نظر می‌رسد با وجود ریشه‌های مشترک میان نگران و ناکجایی، بسط معنایی تحول انگاره را در نسبت تقابلی قوی با نگران قرار می‌دهد. درحالی‌که نگران مجموعه‌ای با رویکرد معاصر است، تحول انگاره مجموعه‌ای متضاد و نزدیک به امر مدرن تعریف می‌شود و طبیعتاً تکثر که مجموعه‌ای در جستجوی زیبایی‌شناختی کردن فرم است، دقیقاً در نفی نگران قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که نگران با مرکز قرار دادن بیان معاصر، یعنی مفهومی ساختن اثر، مضمون را در مرکز نظام ارزش‌گذاری منتقد قرار می‌دهد. به این ترتیب همواره این خطر وجود دارد که نحوه عمل او از منظر منتقد به سطح یک کنش ارتباطی مستقیم و مناسبات یک رسانه تنزل یابد؛ اتفاقاً مهمترین نقدی که می‌توان به آثار مجموعه نگران وارد کرد، همین رویکرد ارتباطی بیش از حد ساده‌انگارانه‌ایست که آثار را به ایده مرکزی و بیان رسانه‌ای فرو کاسته و اجازه تبدیل آن به یک کلیت زیبایی‌شناختی واحد را نمی‌دهد.

نهایتاً ناکجایی با موضوع و بیان نسبتاً

مستقل‌تر خود مجموعه‌ای است که از هر نظر از سه مجموعه‌ی دیگر مجزا

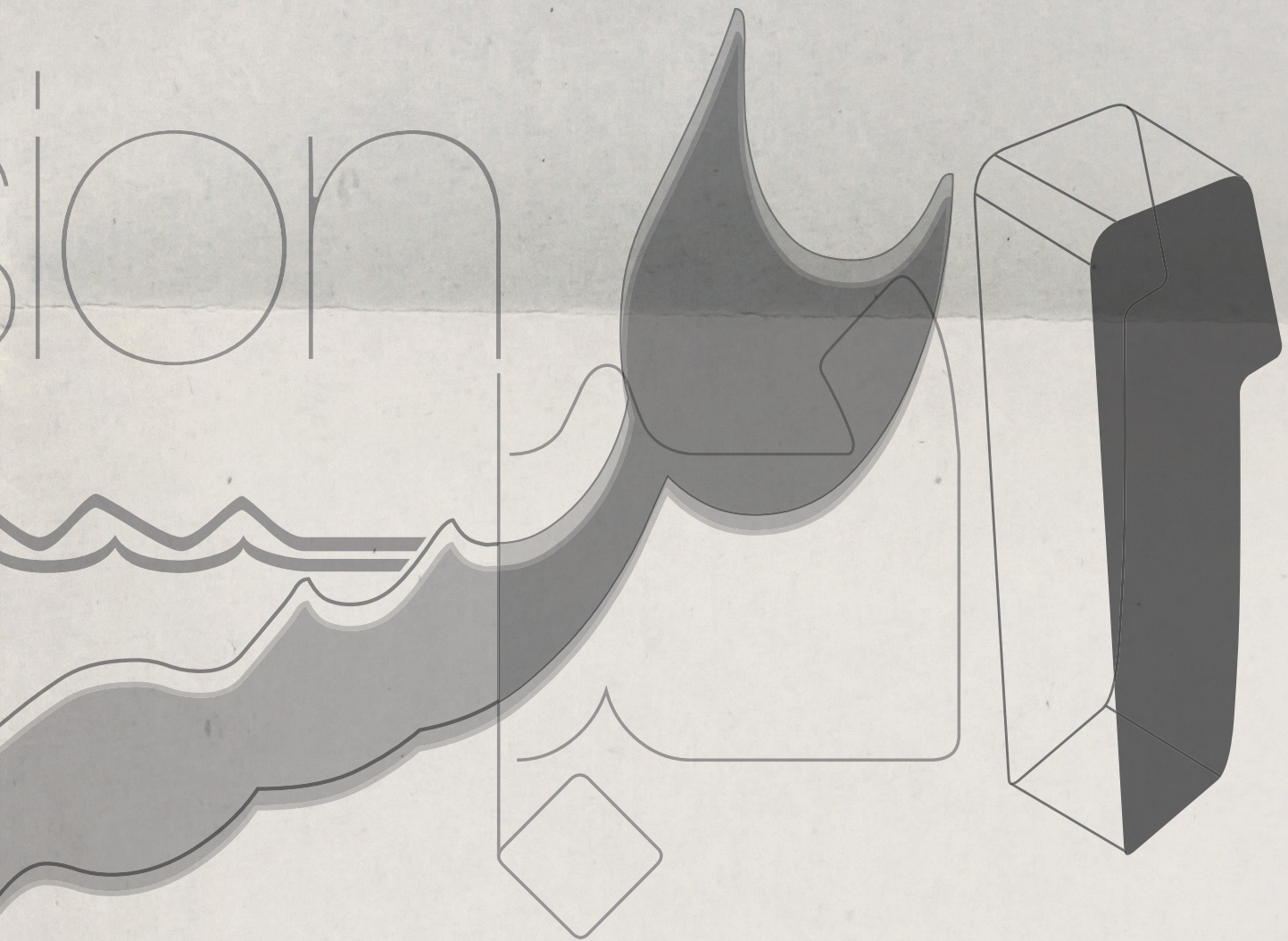
می‌ایستد و خود را به رخ بیننده می‌کشد. از نظر مضمونی نگاه به تجربه روزمره و مواجهه‌ی آن با دوگانگی هویتی

هسته اصلی شکل‌گیری آثار را تشکیل می‌دهد؛ قجریان با توجه به شناخت عمیق که نسبت به محمدالله دارد، توانسته از نگرش بالا به پایین پسااستعماری که سایه‌ی تهدیدش برای اینکه محمدالله به یک دیگری کامل فرهنگی تبدیل شود دوری کند؛ لیکن از یک سو همچنان تفکیک روشن میان دیگری و خودی در آثار آشکار است و از دیگر سو تلاش او برای دست یافتن به بیانی پیش پا افتاده و شخصی برای اموری تا این حد شخصی اساساً تلاشی ناموفق است؛ چرا که هر یک بشقاب که حاوی روایتی ساده‌انگارانه و شخصی و خام‌دستانه است، با صرف چنان نیرو و تخصص و ابزارهایی ساخته شده است که تناقض درونی خود را پیش از هر چیز دیگر فریاد می‌کند و ندیدن آن کاری بس دشوار خواهد بود.



پیدیدگی و ویژگی‌های منحصر به فرد ناکجایی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که می‌بینیم با بسط مفهوم اصرار بر خام‌دستی در مجموعه‌ی ناکجایی، به زحمت می‌توان ربط و نسبت میان او و مجموعه تکثر را در جایگاه تقابلی تعریف کرد و دو مجموعه‌ی دیگر به دشواری جایی در این نمودار می‌یابند. ویژگی خاصی که از روحیه مستقل و کاملاً خودآیین مجموعه و سرپرستش امید قجریان خبر می‌دهد و علناً آشکار می‌کند که رویکرد امید قجریان به رسانه سرامیک اساساً از آن مفهوم بنیادی سرامیک بنیان فاصله گرفته و دل‌بستگی چندانی به جستجو و کشف در چارچوب این رسانه، برای هنرمندی که سال‌ها در این چارچوب فعالیت کرده باقی نمانده است؛ گویا که قجریان در مجموعه انبساط آیین وداع خود با رسانه سرامیک را به جای آورده باشد.

tion





جهان در حال انبساط است. هر لحظه که می‌گذرد اجسام در کیهان از یکدیگر دور می‌شوند و این دور شدن منجر به گستردگی عالم می‌گردد. فضای سرامیک ایران در دهه گذشته به واسطه کنشگری مراکزی چون دانشگاه‌های هنر، کلاس‌های آزاد و تشکل‌هایی همانند انجمن هنرمندان سفالگری بسط شده و این گستردگی امکان ظهور و حضور هنرمندان با طیف‌های متفاوت را به همراه داشته است. رویداد حاضر امکانی است برای به نمایش گذاشتن جریان‌هایی که هر کدام در گستردگی اتمسفر سرامیک ایران نقش داشته‌اند. این جریان‌ها با توجه به نوع نگاه خود و خاستگاه برخاسته از آن، نمایندگی دیدگاهی از گستره هنرهای تجسمی را بر عهده دارند. تمایزات تفکری سبب بسط و گسترش عرصه سرامیک ایران می‌شود. همان‌گونه که دور شدن کهکشان‌ها از یکدیگر به انبساط کیهان می‌انجامد، حرکت‌های گوناگون در بستر سرامیک به گستردگی فضای این رشته می‌انجامد. هدف از برگزاری این رویداد نگاه هم‌زمان به این جریان‌ها در کنار یکدیگر است.



کیوریتور  
رجحانہ حسینی



هنرمندان  
حمید جبلی  
محمود محرومی  
رجحانہ حسینی

پایبندی به چارچوب‌ها و زمینه‌های رشته‌ای یا انگاره‌ای، بستر و پیش‌شرطی لازم برای امکان حضور است. این پیش‌شرط تا زمانی مثبت قلمداد می‌شود که پاسخگوی سوالات زمانه‌ی خود باشد. بنابراین با تغییر فرضیات، تجدید نظر در باورهای حاکم از ضروریات خواهد بود.

گردآورنده این مجموعه پپرو جریان سرامیک بنیان معتقد است، با تکیه بر منطق سرامیک در ارجاع به مسائلی پیرامون اجتماع، سیاست و امروزه، می‌توان هنر سرامیک را بسط داد. این نمایشگاه با مشارکت بین رشته‌ای سه هنرمند و درونمایه‌ی شکل‌پذیری در سرامیک معاصر صورت پذیرفته است.

گل سرامیک دارای خاصیت مومسانی (پلاستیسیته) و یا توانایی در شکل‌پذیری است. تنش ابتدا گل را وارد مرحله‌ی کشسانی می‌کند، افزایش آن موجب شکل‌پذیری می‌شود و با بیش از حد شدن تنش، شکست اتفاق می‌افتد. علم مهندسی در دسته‌بندی انواع واماندگی‌های مکانیکی، این خصوصیت را تنش تسلیم می‌نامد. براساس این ویژگی سه مرحله اصلی در گل سرامیک در نظر گرفته شده و بصورت ماده اولیه در اختیار هنرمندان مجموعه قرار گرفت.

بسته‌ی گل آماده برای شکل‌پذیری / گل با کمترین کنش در ناحیه مومسانی / گل با بیشترین کنش پلاستیک حمید جبلی هنرمندی شناخته شده در حوزه بازیگری و فیلم نامه نویسی است، او خود را بیشتر عکاس می‌داند تا بازیگر. جبلی برای ثبت کمترین کنش پلاستیک، مرحله‌ی ورز دادن گل را انتخاب کرده و با مصداق شاعرانه در عکس‌هایش نویدی را برای سازندگی و تغییرنمایش می‌دهد. محمود محرومی هنرمندی چندرسانه‌ای است که از چیدمان قطعات بدست آمده‌ای گل زیر چرخ لودر\* در بیشترین حد تنش، یادمانی فرکتال را در نقد رفتارهای غیرانسانی بنا می‌کند.

او تغییربنیادی و پذیرش هویت جدید را مرهمی بر این تخریب می‌داند. بسته‌های گل آماده برای شکل‌پذیری نیز بهانه‌ای شد، برای دغدغه‌های گردآورنده

این مجموعه در نمودی از یک امر بیپوده و فرسایشی در بزرگ و تزئین‌گری افراطی.

Being committed to the principles and the contexts of ideas or majors, is a necessary and/or a precondition for the presence. The precondition is considered fruitful as long as it could provide answers for the questions of their time. Provided that the hypothesis is altered, it is crucial to reconsider the beliefs.

Regarding the ceramic-base course, the gatherer of this series believes that the art of ceramic could be developed in respect to the reason of ceramic in referring to society, politics and the order of the routine.

This exhibition is held with the interdisciplinary corporation of three artists and the theme of forming in the contemporary ceramic.

Ceramic clay has the feature of plasticity, or the ability to get the forms and shapes. Tension would create elasticity in the clay at first, creating forms later and by the increase of the tension, it breaks afterwards. In categorizing types of mechanical failure modes, engineering would name such feature as the yield stress. According to such feature, three major stages has been considered and given to the artists as the primary material.

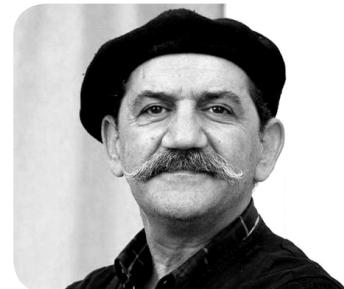
The clay ready to form; the clay with minimum agency in elasticity, the clay with maximum agency in elasticity

Hamid Jebelli is an artist mainly famous in the field of acting and screenwriting. he considers himself more of a photographer rather than an actor. To record the minimum elasticity, he has chosen the kneading stage and through using a poetic sense, he promises change and progress in his photos.

Mahmoud Mahroumi is a multimedia artist who builds a fractal monument through installing parts of the clay under a loader's ring, aiming at criticizing the inhumane gestures and behaviours. For this destruction, he considers fundamental change and the acceptance of the new identity as healing. The ready clay packs then created an opportunity for fulfilling the concerns of the gatherer of this series to manifest a useless, eroding process in decoration and extreme make up.

حمید جبلی  
متولد ۱۳۳۷، تهران

Hamid Jebeli  
Born 1958, Tehran

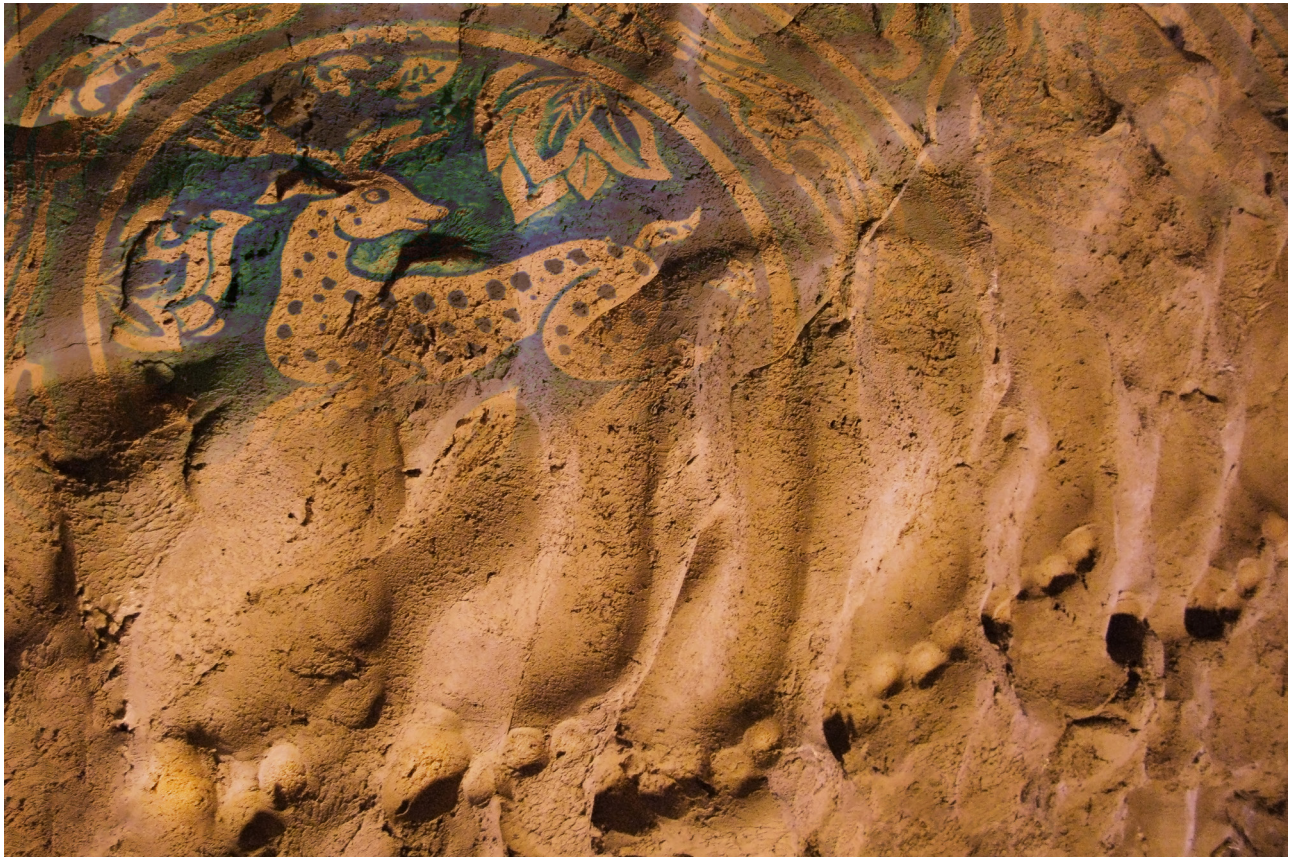
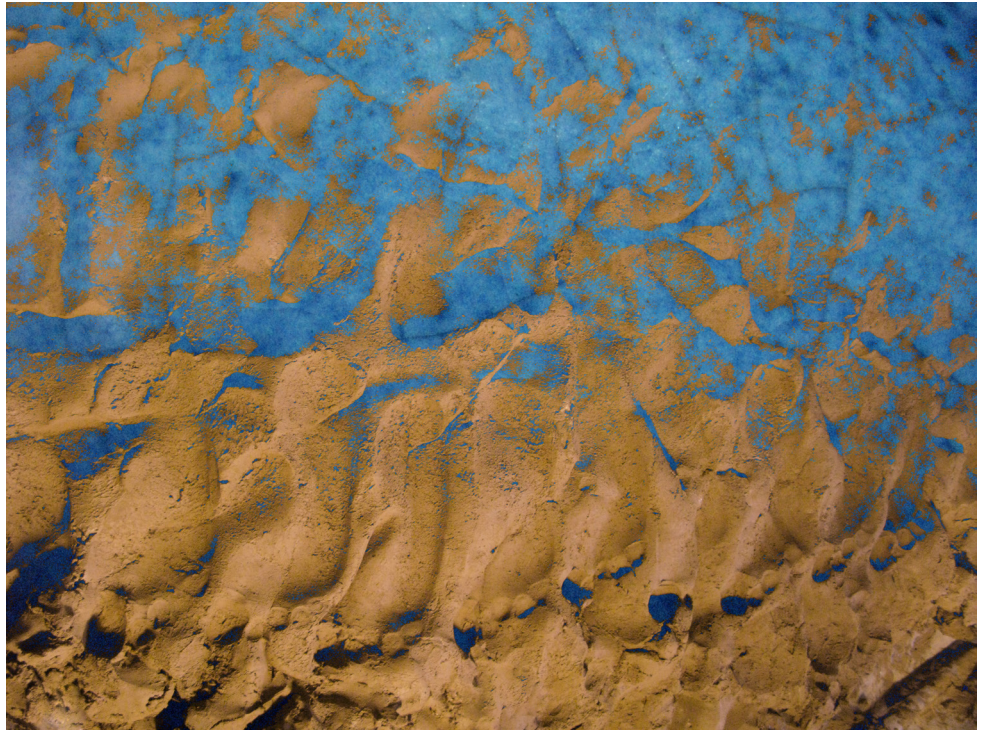


حمید جبلی از دوازده سالگی وارد کلاس‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شد. و از دروس فیلمسازی، تئاتر، نقاشی و ... بهره گرفت. و همچنان به آن آموخته‌ها ادامه می‌دهد. او مدرک دکترای هنر دارد و مدرس دانشگاه هنرهای زیبا است. این هنرمند مثل دوران کودکی اش به فعالیت در همه این رشته‌ها ادامه می‌دهد و همچنان پرتلاش است.

لگد کوبان برگل، شب را می‌کشیم و خورشید را زنده نگه می‌داریم. پای می‌گوییم برسیاهی شب، تا آسمان آبی بماند. لگد می‌کنیم صیاد را، تا آهوبدود. کاسه‌ای می‌سازیم از گل، اما پُراز ماهی. بشقابی، پُراز گل و مرغ و کوزه‌ای از جنس کوبیر، اما پُراز آب. گل و مرغ و عشق و ماهی. مه و خورشید و آسمان آبی. گل ارغوانی، بهار نارنج. آنقدر لگد می‌گوییم، که صیاد و شب و زمستان، له شوند. ما زنده می‌کنیم، زندگی را با گل و عشق. از همان گلی که خود برمی‌آیم و برآن خواهیم شد. آبی آسمان را برکاسه بریز. پای پُگوب، که بدی‌ها له شوند و خوبی‌ها از خاک برآیند.













محمود محرومی  
متولد ۱۳۵۵، سبزوار

**Mahmoud Mahroumi**  
Born 1976, Sabzevar

فارغ التحصیل رشته مجسمه سازی /  
دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.  
عضویت دز/ شورای سیاست‌گذاری در  
هفتمین دوسالانه‌ی مجسمه‌سازی تهران بود.  
برگزیده‌ی: / ششمین دوسالانه مجسمه سازی  
تهران / فهرست نهایی جایزه‌ی مجیک اوپرشیا  
۲۰۱۳. از مهم‌ترین فعالیت‌های او عبارتند از:  
/ شرکت در سه نمایشگاه انفرادی / شرکت در  
بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی.

#### یاد زودگی Amnesia

در ستایش نادیا مراد\*

گاهی به هنگام تجربه و مشاهده‌ی آسیب و  
رویداد غیرمنتظره و دلخراشی چون شوک  
ناشی از دیدن مرگ بستگان یا مواجهه با  
خشونت و تجاوز جنسی، مکانیزمی دفاعی  
در مغز فعال شده و بخشی از ادراک و  
احساسات مربوط به آن حادثه را از ذهن  
دور نگه داشته و شکل تغییر یافته شده‌ای  
به آن می‌بخشد.

این ساز و کار بسته به شدت دفاعش از غم  
موجود، باعث اختلال و ناراحتی و کاهش  
عملکرد در روابط اجتماعی فرد شده و او را  
دچار فرارگسستی می‌کند. مغز تلاش کرده  
تا بخشی از آگاهی آزار دهنده را پاک کند و  
این در حالی است که شخص به صورت  
ناگهانی و موقت مکان خود را تغییر و به  
نقطه‌ای نامعلوم گریخته و هویت جدیدی  
برای خود برمی‌گزیند.

این اثر بر آن است تا رد آثار خشونت و تجاوز  
جنسی در جنگ‌ها و چگونگی نمایش درمان  
بخشی و عادی سازی آن توسط نظام‌های  
قدرت را بازتابی کند.







رجحانه حسینی  
متولد ۱۳۵۱

Rojhane Hoseini  
Born 1972



/ فارغ التحصیل کارشناس صنایع دستی و  
کارشناس ارشد نقاشی. عضویت در:  
/ آکادمی بین‌المللی سرامیک - AIC  
/ انجمن بین‌المللی سرامیک - Artaxis.  
مهم‌ترین فعالیت‌های او عبارتند از:  
/ سیاست‌گذاری، دبیری و کیوریتوری نمایشگاه  
سرامیک بنیان (شکستی و مرزا) / شرکت در  
سمپوزیوم مجسمه‌های شهری سرامیک در  
کشور لیتوانی / و شرکت در چندین دوسالانه و  
نمایشگاه گروهی.

#### گیس گلابتون

گویا، این مجموعه برداشتی است از وضعیت  
امروزی سرامیک به مثابه صنایع دستی در فضایی  
خسته و درگیر از معذوریت‌های سنتی برای حفظ  
میراثی چندپاره. انگاره‌ای حاصل از بی‌توجهی به  
زیرساخت‌ها که محصور شده در تزیین‌گری و سرمست  
از جذبه‌های روینایی است. آرایه‌هایی که اقبال آنها  
نیزه صرف تکرار کم‌رنگ شده‌اند.  
اما، خلق و درک این آثار تحت تاثیر زیستن در این  
برهه‌ی خاص از زمان و مکان امکان پذیر شد و  
صنایع دستی تنها بهانه‌ای بود برای نمود برشی از  
حقیقت زمانه‌ی ما.





هنرمندان  
کوروش آرایش  
بهزاد اژدری  
دلارام پیروز  
رضا تایی  
مرضیه تقی‌خانی  
محسن توحیدی  
نفیسه خلج  
معصومه رضازاده  
بهروز زیندشتی  
مجید فداییان  
هادی مجبعلی  
اولدوز نبی‌زاده‌اصل  
هیربد همت‌آزاد

کیوریتور  
بهزاد اژدری

ARTS  
COUNCIL  
TEHRAN

سرامیک شاید تنها ماده‌ای باشد که توانسته است به دلیل قابلیت‌های بسیار متنوع فیزیک و شیمیایی و زیبایی شناختی در همه شئون زندگی بشری حضور داشته باشد: زندگی روزمره و کاربردی‌ها، زندگی آیینی، صنعت، پزشکی و بهداشت و نهایتاً هنر. این تنوع شگرف در رویکرد و به کارگیری سرامیک در زندگی از همان آغاز حضور سرامیک در زندگی بشر تا به امروز که به «هزاره سرامیک» نام‌گذاری شده است قابل تأمل است. هنرمندان سرامیست بی شماری در جهان هریک با رویکرد و جهت‌گیری ویژه‌ای با این ماده و قابلیت‌های آن برخورد داشته‌اند و به همین دلیل فارغ از سیستم‌های ارزش‌گذاری کهنه و منسوخ می‌توان به بررسی آثار و زمینه‌های بروز و ظهور آنان پرداخت. قائل بودن به حقیقت زندگی و جنبه‌های مختلف آن و نیز احترام به همه نگاه‌های معطوف به خلق اثر هنری، ما را به ارزش‌های «کثرت‌گرایی» و نیز ضرورت باور همه پیامدهای آن در دنیای «متکثر» کنونی متوجه و معطوف می‌سازد. جنبه‌های مختلفی همچون تکنیک و شیوه خلق اثر، کاربرد، زیبایی‌شناسی، معنا و مفهوم هریک به تنهایی و یا ترکیبی با نسبت‌های مختلف از آنان قابل اعتنا و احترامند.

نمایشگاه پیش رو براساس این نگاه و نیز عطف به وضعیت موجود و معمول سرامیک کشور با توجه به محدودیت‌های زمانی و مکانی برگزاری نمایشگاه گردآوری و ارائه شده است اما آنچه در انتخاب این هنرمندان به عنوان محور گزینش مد نظر بوده است در نظر داشتن دو محور زیر بوده است: اول توجه به استانداردهای تکنیکال ساخت اثر به عنوان یک ضرورت دوم توجه به فاکتور زیبایی شناختی و مفهوم و ایده‌پردازی در کنار هم و البته در ترکیب‌هایی با نسبت‌های مختلف.

Ceramic, might be the only substance that, because of its versatile chemical, physical and aesthetical features, could be actually involved in almost each and every context and status of the human life; rituals, industry, medicine and eventually art. Such versatility and variety in the approach of applying ceramic since the very beginning human life until today, known as "the millennium of ceramic" is considerable. Numerous ceramic artists from all over the world have had experiences using this substance and its specific features applying their own approaches and attitudes. That, in fact, could be the reason for studying the works and its origins regardless of old and disused evaluation systems. Believing in the truth of life and its different aspects and also respecting all the views focusing on creating an artwork leads us to the virtues and values of "pluralism" and the necessity of believing in and accepting all the relevant consequences in the present "multiple" life. Different aspects such as techniques and methods of creating the artwork, function, aesthetic, each of their meaning and concept, and/or their combination with different relations and proportions are respectful and seems to be quite considerable. Accordingly, the present exhibition is collected and held based on such point of view and in reference to the present status of the regular situation of ceramic in Iran, regarding the restrictions of time and place. Nonetheless, the criteria for selecting such artists were: the technical standards of the artwork as a necessity at first, and the factor of aesthetic and the concept and idealizing at the same time. The combinations with different relations and proportions.







کوروش آرایش  
متولد ۱۳۵۳

Korosh Arish  
Born 1974

/ فارغ التحصیل رشته مهندسی مکانیک.  
عضویت در: / انجمن هنرمندان سفالگر  
ایران / مرکز توسعه هنرهای تجسمی  
/ آکادمی بین المللی سرامیک.  
/ برگزاری ۳ نمایشگاه انفرادی در گالری  
اعتماد. شرکت در چندین نمایشگاه گروهی  
که مهم ترین آن ها عبارتند از:  
/ کاربردی های معناگرا، انجمن هنرمندان  
سفالگرایران، خانه هنرمندان  
/ "مرز"، نمایشگاه سرامیک بنیان آکادمی  
هنرهای تجسمی آد، خانه هنرمندان / نسل  
دو، گالری سیحون. شرکت در چندین  
دوسالانه و جشنواره که بهترین آن ها  
عبارتند از: / شرکت در "یازدهمین جشنواره  
هنرهای تجسمی فجر" / برگزیده بخش سفال  
و سرامیک در "چهارمین جشنواره هنرهای  
تجسمی فجر" / تقدیر شده در بخش "حجم"  
در "دهمین بینال سفال و سرامیک معاصر  
ایران" / "دهمین بینال سفال و سرامیک  
معاصر ایران".





فارغ التحصيل بیولوژی سلولی و مولکولی  
از دانشکده علوم دانشگاه تهران. دارای  
مدرک: / درجه یک هنری از وزارت فرهنگ  
و ارشاد اسلامی در رشته هنر سرامیک.  
عضویت در بسیاری از نهادها و شوراهای  
مهمترین آن‌ها عبارتند از: / آکادمی بین‌المللی  
سرامیک / AIC / انجمن هنری Art Axis  
آمریکا. دارای سوابق اجرایی و مسئولیت‌های  
متعدد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: / مدیر  
عامل و رئیس هیات مدیره انجمن هنرمندان  
سرامیست ایران / دبیر نمایشگاه زرین فام از  
دیروز تا امروز / دبیر دهمین بینال سرامیک  
ایران / کیوریتوری بیش از ده نمایشگاه در  
انجمن هنرمندان سرامیست ایران. کسب  
بیش از ۱۰ جایزه و نشان که مهم‌ترین آن‌ها  
عبارتند از: / چهره ماندگار از طرف بنیاد  
چهره‌های ماندگار ایران ۳/۱۳۹۵ نشان عالی  
هنر از یونسکو / world craft center / بیش  
از سی نشان ملی برای آثار سرامیک. شرکت  
در بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی که مهم‌ترین  
آن‌ها عبارتند از: / "کارپردی‌های معناگرا"  
خانه هنرمندان ایران / نمایشگاه آثار ۱۳۹۶ موزه  
ویکتوریا آلبرت لندن / "ایران سرزمین کهن"  
۱۳۹۴ موزه هنرهای شرقی رم. برگزاری بیش  
از ۸ نمایشگاه انفرادی که مهم‌ترین آن‌ها  
عبارتند از: / موزه هنر ساکازوکی، ژاپن / مجمع  
جهانی یونسکو، هند. بسیاری از موزه‌ها و  
گالری‌ها از آثار اژدري در مجموعه خود دارند  
که تعدادی از آن‌ها عبارتند از: / موزه هنرهای  
معاصر تهران / یادمان تابلوکاشی زرین فام  
تاجیمی - ژاپن / موزه هنر چین.







دلارام پیروز  
متولد ۱۳۵۷، اهواز

Delaram Pirouz  
Born 1978, Ahvaz

/ فارغ التحصیل صنایع دستی، سفال و  
سرامیک از دانشگاه هنر و معماری کاشان.  
شرکت در نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های متعدد  
که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: / هشتمین  
دوره بینال بین‌المللی سفال و سرامیک  
معاصر ایران / نمایشگاه سفال و سرامیک  
مجموعه فرهنگی فرشچیان، اصفهان  
/ نمایشگاه تخصصی سفال و سرامیک  
ایران در سال ۱۳۹۰، همدان / برگزیده دهمین  
دوره بینال بین‌المللی سفال و سرامیک  
معاصر ایران / پنجمین دوره جشنواره  
بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر  
/ شرکت در اولین دوره جشنواره هنرهای  
سنتی و میراث فرهنگی فجر / شرکت در  
دومین دوره جشنواره هنرهای سنتی  
و میراث فرهنگی فجر / انتخاب ۷ اثر  
در همایش نشان ملی کیفیت ایران در  
سال ۱۳۹۷ / نمایشگاه جریان‌های معاصر  
سرامیک ایران، خانه هنرمندان ایران.







رضا تائبی  
متولد ۱۳۵۵، کرمان

**Reza Tayebi**  
**Born 1976, Kerman**

/ فارغ التحصیل صنایع دستی از دانشگاه هنر.  
/ شرکت در نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های متعدد.  
عضویت در: / هیئت مدیره انجمن هنرمندان  
سفال و سرامیک ایران. تعدادی از جوایز او  
عبارتند از: / برنده نشان ملی صنایع دستی  
ایران / برنده جایزه بینال سفال و سرامیک.



مرضیه تقی‌خانی  
متولد ۱۳۵۸

**Marziye TaghiKhani**  
Born 1979

/ فارغ‌التحصیل طراحی فرش. عضویت در:  
/ انجمن هنرمندان سفالگرایان. تعدادی از  
مهم‌ترین نمایشگاه‌های گروهی او عبارتند از:  
/ اولین نمایشگاه گروهی زنان سفالگرایان -  
فرهنگسرای نیاوران / نمایشگاه گروهی "پرنده"  
انجمن هنرمندان سفالگر، خانه هنرمندان ایران  
/ نمایشگاه گروهی سفال و سرامیک گالری  
پریسان / نمایشگاه گروهی گروه هنری نردبام -  
فرهنگسرای ارسباران تهران / اکسپوی سفال  
کاربردی برج میلاد تهران در سال ۱۳۹۱  
/ نمایشگاه گروهی "کودکی" انجمن هنرمندان  
سفالگر، خانه هنرمندان ایران  
/ نمایشگاه گروهی "مرز" - خانه هنرمندان  
ایران / نمایشگاه گروهی "کاربردی‌های  
معناگر" انجمن هنرمندان سفالگر، خانه  
هنرمندان ایران.









محسن توحیدی  
متولد ۱۳۶۲، اصفهان

**Mohsen Tohidi**  
**Born 1983, Isfahan**

/فارغ التحصیل صنایع دستی، سفال و سرامیک از دانشگاه هنر و معماری کاشان. شرکت در نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های متعدد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:  
/هشتمین دوره بینال بین‌المللی سفال و سرامیک معاصر ایران، تهران / نمایشگاه سفال و سرامیک مجموعه فرهنگی فرشچیان، اصفهان در سال ۱۳۸۸ / نفر اول بخش نقش بر روی سطح دهمین دوره بینال بین‌المللی سفال و سرامیک معاصر ایران، تهران / نمایشگاه صنایع دستی، تهران در سال ۱۳۹۱ / پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر / نمایشگاه صنایع دستی، تهران در سال ۱۳۹۴ / برگزیده اولین دوره جشنواره هنرهای سنتی و میراث فرهنگی فجر / دومین دوره جشنواره هنرهای سنتی و میراث فرهنگی فجر  
/ انتخاب ۳ اثر در همایش نشان ملی کیفیت ایران، تهران در سال ۱۳۹۷ / انتخاب یک اثر در همایش نشان بین‌المللی کیفیت در سال ۱۳۹۷ / نمایشگاه جریان‌های معاصر سرامیک ایران، خانه هنرمندان ایران در سال ۱۳۹۷ / انتخاب یک اثر برای شرکت در چهارمین دوسالانه فرانسه، پاریس.



نفسه خلع  
متولد ۱۳۵۵، کرج

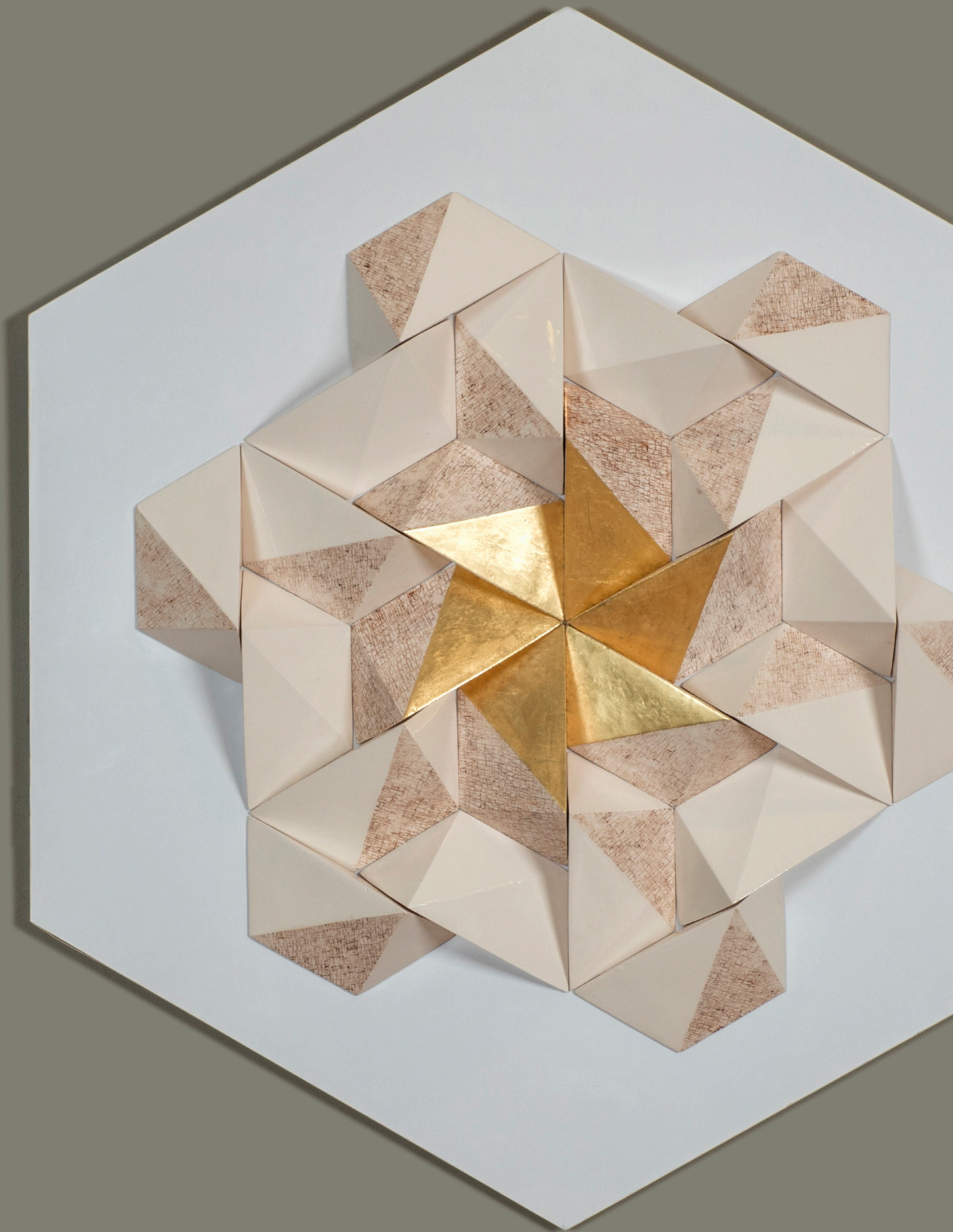
Nafise Khalaj  
Born 1976, Karaj



فارغ التحصیل کارشناسی صنایع دستی از دانشگاه هنر. برگزاری ۲ نمایشگاه انفرادی و شرکت در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی. عضویت دز/ انجمن هنرمندان سفالگرایران. تعدادی از جوایز و داوری های او عبارتند از: برنده نشان ملی مرغوبیت صنایع دستی در سال ۱۳۹۶/ داوری نمایشگاه کودکی با برگزاری انجمن هنرمندان سفالگرایران، خانه هنرمندان در سال ۱۳۹۶ / برنده جایزه اول در بینال سفال و سرامیک ایران در سال ۱۳۹۰/ برنده جایزه دوم در بینال سفال و سرامیک ایران ۱۳۹۰/ داور چهارمین جشنواره فجر ایران.

#### اپیدرم

لایه شاحی پوست- اپیدرم- خارجی ترین لایه سطح پوست انسان است. لایه ای که بصورت مکانیکی در تماس با دنیای اطراف ما است. این لایه عمر بسیار کوتاهی دارد. نظم در طبیعت حتی در ریزترین اجرا دیده می شود و گوپی هنر و علم ریاضی انسان را به چالش می کشد. حضور ساختارهای هندسی در شیوه تجربیدی برگرفته از اصل وحدت و وجود کل در جزو و جزو در کل است.



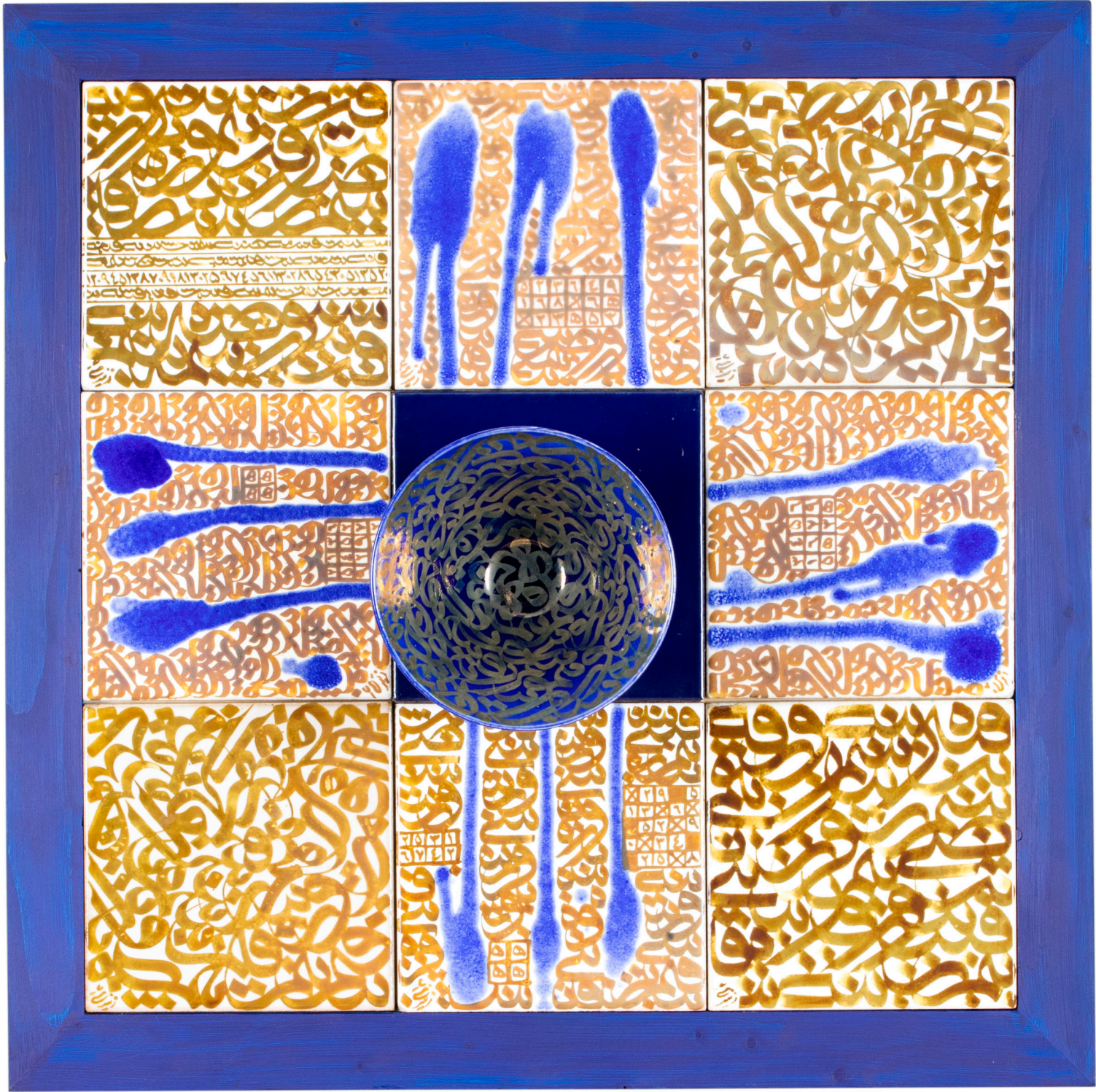
معصومه رضازاده  
متولد ۱۳۶۰

Masoumeh Reza Zade  
Born 1989



فارغ التحصیل رشته نقاشی و صنایع دستی است. شرکت در بیش از ۱۰ نمایشگاه گروهی و جشنواره که مهم ترین آن ها عبارتند از: /اولین نمایشگاه زنان سفالگرایان در سال ۱۳۸۶/ شرکت در بخش سفال و سرامیک دومین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی / ششمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر و کسب مقام دوم در بخش سرامیک هنری / اولین جشنواره صنایع دستی فجر و نفر برگزیده در سال ۱۳۹۵ / نمایشگاه ستارگان تجسمی فجر در فرهنگسرای نیاوران در سال ۱۳۹۶. برگزاری چندین نمایشگاه انفرادی که مهم ترین آن ها عبارتند از: /نمایشگاه انفرادی در تبریز در سال ۱۳۸۸/ نمایشگاه انفرادی در تبریز بهار ۱۳۹۲/ نمایشگاه انفرادی در خانه هنرمندان ایران در سال ۱۳۹۷. تعدادی از جوایز و مقام های کسب کرده او عبارتند از: /مقام اول دومین جشنواره سفال و سرامیک هنری کاربردی آذربایجان/ کسب مقام دوم در بخش سفال و سرامیک در هشتمین دو سالانه هنر سفال و سرامیک و آبگینه معاصر ایران / کسب مقام اول در بخش هنری کاربردی نهمین دو سالانه سفال و سرامیک معاصر ایران/ برگزیده دهمین دو سالانه ملی سفال معاصر ایران در بخش حجم / کسب مهراصلت یونسکودر سال ۱۳۹۵.









بهروز زیندشتی  
متولد ۱۳۵۷، سلماس

**Behroz ZinDashti**  
**Born 1978, Salmas**

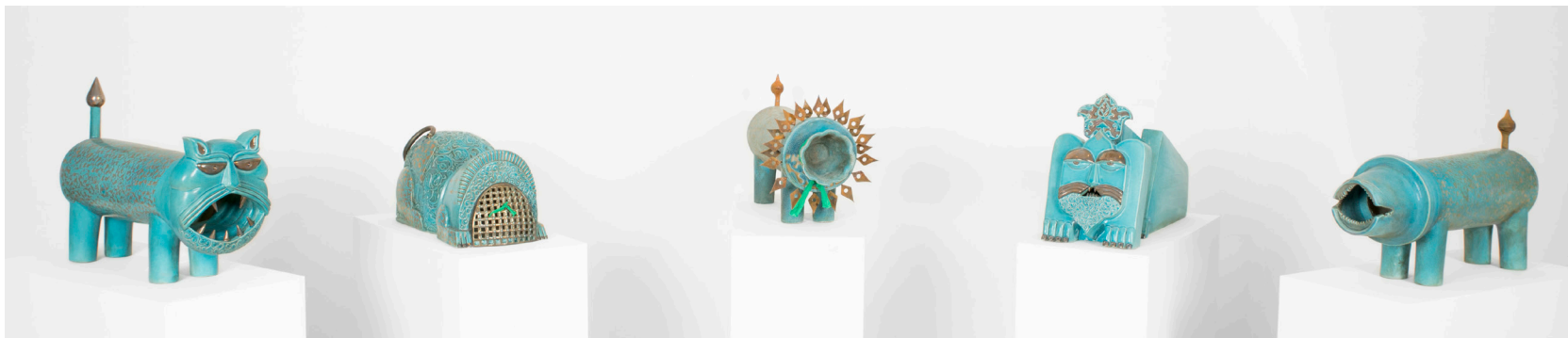
فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد صنایع دستی از دانشگاه هنرتهران است. برگزاری چندین نمایشگاه انفرادی که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: /نمایشگاه نقاشیخط و سرامیک، گالری سیحون، در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ /نمایشگاه نقاشیخط، گالری شیرین، در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲. شرکت در چندین نمایشگاه گروهی که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: /نمایش آثار زرین فام هنرمندان معاصر، موزه آگینه و سفالینه ایران، در سال ۱۳۹۶ /نمایشگاه ۱۰۰۱ بشقاب، گالری شیرین، در سال ۱۳۹۵ /نمایش گروهی سرامیک با عنوان کاربرد های معناگرا، خانه هنرمندان ایران، در سال ۱۳۹۶ /نمایشگاه هنر معاصر ایران، موزه هنرهای شرقی رم در سال ۱۳۹۴ /آرت فرلندن، در سال ۱۳۹۲ /نمایش گروهی «بی پردگی حروف»، مرکز گزند، ژنو، سوییس، در سال ۱۳۹۱ /نمایش گروهی نقاشی خط گالری کاشا هیلبرند، زوریخ، سوییس، در سال ۱۳۹۱. مهم‌ترین جایزه دریافتی او: /جایزه اول مسابقه کتیبه نگاری در صنایع دستی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، در سال ۱۳۹۶.





مجید فداییان  
متولد ۱۳۴۱، تهران

Majid Fadaeiyan  
Born 1962, Tehran



/ کارشناسی هنرهای ایرانی / او در ۳۳ سال  
فعالیت هنری چندین جایزه و مقام را کسب  
کرده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:  
/ برگزیده از سوی کتابخانه مجلس در حوزه  
حفظ نسخ خطی / دریافت جایزه نشان از  
سوی خانه کتاب بعنوان کتاب نفیس سال  
۱۳۹۶ / برگزیده از سوی کتاب سال در بخش  
کتاب هنری ۱۳۹۲.







هادی محب‌علی  
متولد ۱۳۵۹ تهران

Hadi Mohebali  
Born 1980, Tehran



فارغ‌التحصیل رشته نقاشی است. / برگزاری ۲ نمایشگاه  
انفرادی و بیش از ۱۰ نمایشگاه گروهی.

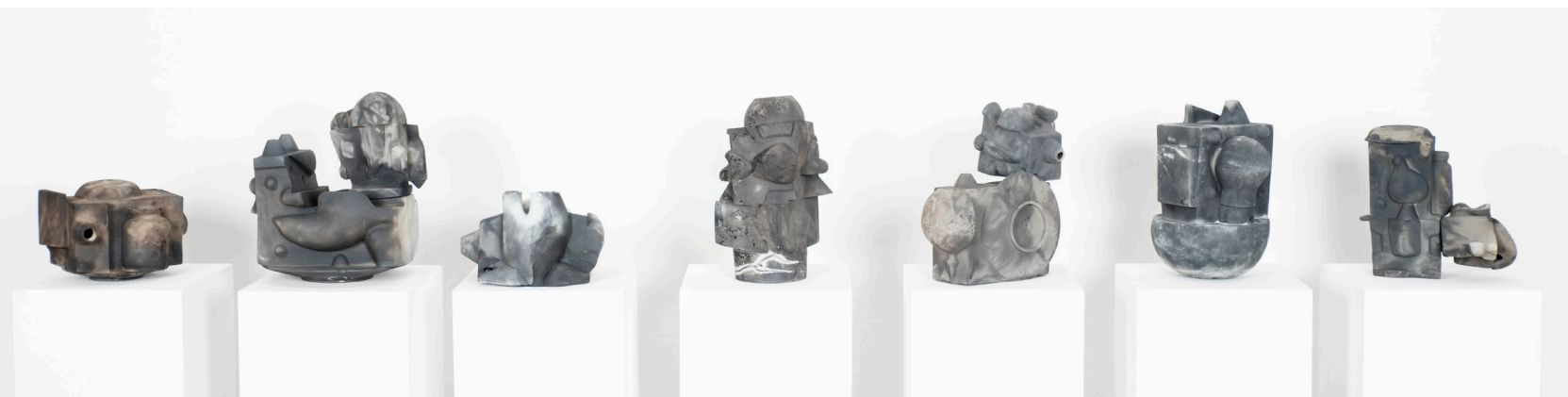




اولدوز نبی زاده اصل  
متولد ۱۳۶۱، تهران

**Oldoz Nabizadeh Asi**  
**Born 1982, Tehran**

/ شرکت در بیش از ۱۰ نمایشگاه گروهی و جشنواره که مهم ترین آن ها عبارتند از:  
/ نمایشگاه کاربردی های معناگرا، خانه هنرمندان ایران، در سال ۱۳۹۶  
/ نمایشگاه مرز، خانه هنرمندان ایران، در سال ۱۳۹۶ / نمایشگاه هنرهای تجسمی نفس، خانه هنرمندان ایران، در سال ۱۳۹۵  
/ نمایشگاه کودکی، خانه هنرمندان ایران، در سال ۱۳۹۵ / نمایشگاه ورسوس، فرهنگسرای نیاوران در سال ۱۳۹۲  
/ شرکت در جشنواره هنر اسلامی، صبا در سال ۱۳۹۰ / شرکت در جشنواره هنرهای تجسمی فجر، فرهنگسرای نیاوران در سال ۱۳۹۱ / نمایشگاه سرامیک شهری، نگارخانه برگ در سال ۱۳۸۹ / شرکت در جشنواره هنر جوان، صبا در سال ۱۳۸۹  
/ مروری بر بینال سرامیک، موزه امام علی در سال ۱۳۸۹.





هیربید همت‌آزاد  
متولد ۱۳۵۳، تهران

**Hirbod Hemat Azad**  
**Born 1974, Tehran**

/ فارغ‌التحصیل رشته مهندسی ماشین آلات  
کشاورزی است. عضویت در:  
/ انجمن هنرمندان سفالگر  
/ انجمن بین‌المللی سرامیک - AIC.  
مهم‌ترین فعالیت‌های او عبارتند از:  
/ شرکت در چندین نمایشگاه گروهی  
/ عضو شورای سیاستگذاری و دبیر  
اجرائی بینال دهم سرامیک / عضو شورای  
سیاستگذاری نمایشگاه‌های سرامیک  
بنیان "شکستی" و "مرز" / کیوریتور  
نمایشگاه‌های "فراجهش" و "امریان  
ناپذیر" / مدیر داخلی گالری ابد.





کیوریتور  
امیدقجریان

هنرمندان  
غزال رادپی  
یاسر رجبعلی  
محمدالله فاریابی

now in process



پروژه‌ی ناکجایی برداشتی متفاوت در نسبت هنر و امر اجتماعی است و این امکان که تا چه اندازه می‌توان از تعاریف متعارف در حوزه‌ی هنر مرسوم نمایشگاهی فاصله گرفت و مسایل اجتماعی را در پروژه‌های این چنینی دنبال کرد.

دغدغه‌هایی مرتبط با جابجایی و وضعیت‌های متفاوت و مرتبط با تعلقات مکان، در نسبت افراد و اشیاء و این پرسش که اساساً جابجایی‌ها چه مفهومی از زیست فرهنگی را دوباره‌سازی می‌کند و چه امکان متمایزی از موقعیت‌های پیشین را پدید می‌آورد.

ناکجایی برداشتی ملهم از وضعیت در تعلیق است و وضعیت ناکجا در فاصله‌ی جابجایی و گذر از موقعیت‌های مکانی ساخته می‌شود، شرایطی اضطراری در زمان حال، که به آینده‌ای نامعلوم گره خورده است.

شرایطی که افراد در موقعیت جابجایی تجربه می‌کنند موقتی و ناگزیر است و در نهایت بخشی از هویت آنان را دچار دگرگونی می‌کند، وجهی از شناخت که در رابطه با دیگری متفاوت و متاثر از جابجایی بازسازی می‌شود.

هویت باشنده‌گان پیوسته عمیق با مکان جغرافیایی زیست آنان دارد به ویژه آنجا که به صفت سرزمینی شناخته می‌شود و در اغلب مواقع متناسب به جایی بودن در مقابل پرسش عمومی کجایی هستی؟ روی می‌دهد؛ از همین جهت جابجایی در موقعیت‌های مکانی جدید صورت بندی متفاوتی از نسبت هویت و ساخت فرهنگی افراد را بازسازی می‌کند.

ناکجایی فرصتی ناگزیر است که زیستن در تعلیق را ممکن می‌سازد، امری که با بازسازی موقعیت افراد در نسبت با شرایط زیست جدید، امکان تعامل را فراهم می‌کند. از این جهت وضعیتی مختص به مهاجرت از سرزمینی به سرزمین دیگر نیست بلکه در هر موقعیتی همه‌ی ما در ابعادی متفاوت شرایط جابجایی از خانه قدیمی به مسکنی جدید و یا زندگی در شهری جدید را تجربه و به دنبال آن وجهی از ناکجایی را تمرین می‌کنیم؛ وضعیتی که همواره معنای تعلق را دگرگون و دچار ویرانی می‌کند.

در منظری دیگر، ناکجایی و تغییرات مکانی صرفاً مربوط به افراد نمی‌گردد بلکه این سرگشتگی، اشیاء (ابژه) را نیز شامل می‌شود؛ حرکت و جابجایی (mobility)، سوژه‌های انسانی در وضعیت شی وجهی از جابجایی را تجربه می‌کند که مفهوم چرخش (circulation) را بازسازی می‌کند، اشیاء در موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت دلالت‌های معنایی متفاوتی می‌سازند به ویژه اگر واجد نشانه‌های فرهنگی و ارجاعی مشخص در جغرافیای جدید و مکان اکنون گردند. آنها حامل مفاهیم از پیش داشته هستند که در نسبت مکانی جدید جایگاهی متفاوت به خود اختصاص می‌دهند.

جابجایی اشیاء در ارتباط با موقعیت‌های متفاوت، تاریخی در شی واجد دلالت‌های فرهنگی، منعقد می‌کند که فراتر از انتقال و چرخش صرف یک شی بررسی می‌شود و دارای وجهی مشارکتی و معنا دار در ضمن جابجایی و انتقال مفاهیم در موقعیت مکانی

جدید خواهد بود. این چرخش در معناسازی، در ارتباط با گستره ی زبانی و فرهنگی مشترک که حامل مفاهیم عمیق ادبی است صورت بندی نوینی از پیوست ابژه (شی) و پدیدار فرهنگی به وجود می آورد.

پروژه ناکجایی در مسیری پژوهش محور و حاصل جستجو و گفتگو با سه نفر از افراد حاضر در پروژه شکل گرفت که در عین مستقل بودن هریک، اجزای آن پیوست مشخصی با یکدیگر دارند. در این مجموعه، غزال رادپی هنرمند ایرانی مقیم فرانسه که تجربه ی بیش از سی سال کار در مجامع حرفه ای هنر را در کارنامه خود دارد پروژه ای از مسائل مهاجران در اروپا را که در شهرم شکل گرفته است در قالب ویدئویی کوتاه عرضه می کند. مهاجرافغانستانی تعریفی موجز از موقعیت ناکجای خود عرضه می دارد، دیاگرامی ساده و پلکانی با سه رنگ سبز، قرمز و سیاه که او جلوی دوربین غزال عرضه می کند و کلام صریح او که این دیاگرام را به کل زندگی تشبیه می کند و این گفتار کوتاه در اشاره به دیاگرام خود - "این زندگی... این هم آخر زندگی... گاهی خوب... گاهی بد... من اکنون اینجا هستم"... اشاره به وضعیت معلق (ناکجا) خود که همچنان با عنوان مهاجر غیرقانونی صورت خود را پوشانده است.

ویدئوی کوتاه غزال و گفته های شبه فلسفی و شاعرانه ی مهاجر جوان در موقعیت ابتدای ورودی گالری نصب گردید و در مرحله ی بعدی پروژه کارهای جوان مهاجرافغانستانی دیگر، محمدالله فاریابی است که به شیوه ای خودجوش و شخصی در پی کار در مجموعه ای تولیدی سرامیک ( ماه فروز) بخشی از تجربیات و زیست خود در افغانستان و ایران را بر روی بشقاب های سرامیکی که به شیوه ی زیرلعابی نقاشی و عرضه کرده است.

محمدالله فاریابی متولد ۱۳۷۱ در ولایت شمالی ازبک نشین فاریاب افغانستان است که پس از پدرش از نسل دوم مهاجران افغانستانی است که به دلیل شرایط کشورش و به دنبال کار از سن چهارده سالگی به ایران مهاجرت کرده است. او توانسته در این مدت خواندن و نوشتن را یاد بگیرد و به صورت خودانگیخته نقاشی بر روی بشقاب سرامیکی را بر حسب تجربه در محیط کار دنبال کند.

کارهای محمدالله در سه بخش متفاوت قابل پیگیری هستند. دسته ای از کارها که در زمان گذشته سیر می کنند و عموماً مربوط به تجربه های پیشینی او در ارتباط با شرایط دشوار مهاجرت و رخدادهای مرتبط با این موضوع است، تصویر کامیونی که مهاجران افغانستانی را بارزده و لب مرز خالی می کند و یا تعداد زیادی از مهاجران که به صورت سرپایی در فضای حمام محبوس شده اند. این مجموعه کارها در کنار تصویر کار در مزرعه ی خشخاش و همینطور جنگجوی طالبان با چشمانی سرمه کشیده ترکیبی از تجربیات پیشینی محمدالله است که روایت گریزیست او در گذشته است. اما در کنار اینها کارهایی حضور دارند که زمان حال او را روایت می کنند و مربوط به کار در محیط کارگاه می شود، در این مجموعه محمدالله فانتزی های ذهنی خود را به نمایش می گذارد که ترکیبی جالب از خود و محیطش را پیش می کشد، تصویر برادر خود در حین چرخ کاری با تکیه بر رنگ پرچم افغانستان در پس زمینه ی آجری نقاشی کرده و یا تصویری خیالی از هیزم شکن که بر روی شانه اش پرند ای نشسته و یا نقاشی جالب توجهی از کوره های محل کارش که هر روز با آنها سرو کار دارد.

متن هایی که محمدالله در توضیح کارهایش در این پروژه ارائه می دهد عینا و بدون کم و کاست ارائه شده است و در جایی فقط برای روشن شدن ذهن مخاطب ایرانی داخل پراپوزیشن معادل فارسی گنجانده شده است و در پایان دسته ای از کارهای محمدالله که موکول به زمان آینده هستند و در آنها او آرمان ها و آرزوهای خود را نقاشی می کند. خانه ی رویایی با پرچم بزرگ افغانستان بر بالای آن و همینطور پرچم همه ی کشورهای جهان که در فضای بشقاب نقاشی شده و جمله ی نهایی - " من می خواستم جهان کنار هم باشند نه روبروی هم."

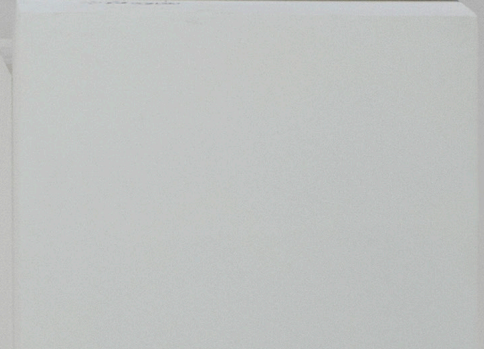
کارهای محمدالله مجموعه ای به تعداد پانزده بشقاب نقاشی زیرلغابی است که حاصل تجربه و زندگی محمدالله در جایی متفاوت از سرزمین خود است و از این رو موقعیتی مرتبط با مهاجرت او سبب شکل گیری آنها شده است. او تقریباً نیمی از زندگی خود را در ایران زیسته است و در اینجا هویتی متفاوت با یک افغانستانی که تماماً در افغانستان زندگی کرده است را تجربه کرده است. وضعیت در تعلیق و دشواری های مهاجرت و موقعیت ناکجایی بخشی جدایی ناپذیر زندگی اش شده است اما او آن را تبدیل به فرصتی در جهت ساخت سوژه گی خویش کرده است و توانسته است دلمشغولی های خود را در صورت بندی جدیدی از نقاشی های خود بروز دهد. و سرانجام یاسررجبعلی هنرمند دانش آموخته حوزه ی سرمایه گدغه مداوم خود در حوزه ی ادبیات فارسی و به خصوص شاعر مورد علاقه ی شبه قاره ی هند و افغانستان تا آسیای میانه "بیدل دهلوی" را دستمایه وجهی دیگر از موقعیت جابجایی شده ی اشیاء یافته است؛ مانوس بودن یاسر با ادبیات فارسی کلاسیک ایرانی پیوندی مشهود با جهان مهاجران افغانستانی می سازد که هر دو از زبانی همدلانه برخوردار می گردند، گفتگوی محمدالله و یاسر در قالب ویدئویی که در پروژه عرضه شده است جهان این دورا به هم پیوند می زند و محمدالله هم سروده های خود را با یاسر مرور می کند و در نهایت نقاشی یاسر را در کنار استاد سرآهنگ افغانستانی - که خواننده مورد علاقه یاسر است - در فضایی خیالین با کارهای خود پیوند می زند.

گفتگوی بی زبانان محبت دیگر است

کیست فهمد غیردل حرف ز خود بیگانه ات (بیدل)

یاسر در مجموعه کارهای این پروژه به یاری بیدل دهلوی وجهی از جابجایی گستره ی زبان فارسی را کنار جابجایی اشیاء مورد توجه قرار می دهد، تعداد چهار شی سفالین از افغانستان، خراسان، فارس و ترکستان استعاره ای از پهنه ی زبان فارسی به عنوان "زبان میانجی" در این سرزمین ها است و دلالت های معنایی که هریک از این اشیاء به واسطه ی تعلقات فرهنگی در حوزه فارسی زبان به وجود می آید را به یاری بیدل صورت بندی می کند.

ناکجایی در مسیری مداوم از تامل و گفتگوی هنرمندان پروژه و بر مبنای فرآیند محور بودن در طی زمان مشخص صورت بندی شده است و بر همین اساس حضور متن (استیتمنت) جز جدایی ناپذیر آن محسوب می گردد و تلاش شده است تا متن در "زمینه مند کردن" پروژه نقش محوری را دارا باشد و بر همین اساس پیوستاری از کارها و متون در کنار یکدیگر موقعیت خوانش متفاوت از پروژه را میسر می کند.



غزاله رادپی  
متولد ۱۳۴۵، تهران

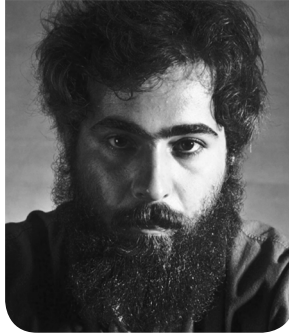
Ghazel Radpei  
Born 1966, Tehran

مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از مدرسه‌ی عالی هنرهای زیبا در نیم فرانسه دریافت کرده است. او همچنین از دانشگاه پُل وِلی مونیخ فرانسه مدرک کارشناسی دروس سینمایی دارد. غزال در مجموعه آثارش به مسائل اجتماعی، مهاجرت، هویت‌های ترکیبی و تأثیر جنگ می‌پردازد، او بیش از سی سال در خارج از ایران اقامت داشت.



گرچه ای که شیکار (شکار) رایاد نداشت  
یه روز یک موش دید خواست  
شیکارش کنه هرچه این بر و آن بر  
دنبالش کرد نتوانست موش را شیکار کنه  
خسته شد و نشست موش آمد  
گفت تا به حال به اندازه ی  
تو گرچه ی تبیل ندیده بودم.

نقاشی از روی عکس گرچه ام که مرده ،  
محمدالله تونسیت شخصیت بداخلش رو  
پکشمه  
غزال



ياسر رجبعلی  
متولد ۱۳۶۶، کرج

Yaser Rajab Ali  
Born 1987, Karaj



به یاد آرد دل بیتاب اگر نقش میانش را  
به رنگ موی چینی سرمه می گیرد فغانش را

در فاصله پنجاه کیلومتری شمال کابل در شهر  
کوچک استالف افغانستان، سفالهایی ساخته  
میشود با ویژگی منحصر بفرد، اکنون قطعه‌های  
از آن اینجا است

ياسر رجبعلی دانش‌آموخته رشته هنر اسلامی (گرایش سرامیک) در دانشگاه هنر اسلامی تبریز و کارشناسی ارشد صنایع دستی دانشگاه سوره است. ياسر جستجو در جریانات مرتبط با وضعیت معاصر در هنر را دنبال می‌کند و رسانه سرامیک از دید او امکانات موثری در این راستا فراهم می‌کند. ادبیات و شعر فارسی از جمله دغدغه‌های مهم اوست و تاثیر مهمی در آثار او دارد.

### "نم‌زیدن"

تغافل است تماشاگر حقیقت اشیا

رسیده گیر به هریک به قدر او نرسیدن (بیدل دهلوی)

تغییرات مکانی، موقعیت مختص به سوژه‌ها نیست بلکه ایزه‌ها هم دچار وضعیت جایجایی می‌شوند. اشیا در موقعیت جغرافیایی متفاوت، دلالت‌های معنایی متفاوتی می‌سازند. به ویژه اگر اوجد نشانه‌های فرهنگی مشخص در جغرافیای جدید و مکان اکنون گردند. آنها حامل مفاهیم از پیش داشته هستند که در نسبت مکانی جدید، جایگاهی متفاوت به خود اختصاص می‌دهند.

امروز جایجایی ایزه در ارتباط با سوژه‌ها و تاریخی که در خود منعقد می‌کند فراتر از انتقال صرف یک شی بررسی می‌شود. از این منظر ایزه صاحب وجه مشارکتی و معنادار در ضمن انتقال مفاهیم در موقعیت مکانی جدید خواهد بود. این چرخشی اشیا در معناسازی مرتبط با گستره‌ی زبانی مشترک - که حامل مفاهیم عمیق ادبی است - صورت‌بندی نوینی را از پیوست ایزه و پدیدار فرهنگی می‌سازد.







محمدالله فاریابی  
متولد ۱۳۷۱، فاریاب (افغانستان)

Mohammadollah Faryabi  
Born 1992, Faryab (Afghanistan)



محمدالله فاریابی از ولایت شمالی ازبک نشین فاریاب افغانستان است، او پس از پدرش از نسل دوم مهاجران افغان است که از سن چهارده سالگی جهت کار به ایران آمده است. محمدالله نزدیک به هفت سال است که با مجموعه ماه فروز کار می کند و در این مدت توانسته است خواندن و نوشتن را یاد بگیرد و تجربه نقاشی روی سرامیک را خود آنگیخته پیگیری کرده است، او تسلط عمیق بر نقاشی های زیرلغابی را طی آشنایی با فرایند کار با این ماده بدست آورده است.

### گفتگوی بی زبانان محبت دیگر است

کیست فهمد غیردل حرف ز خود بیگانه ات؟ (بیدل دهلوی)

زبان مهمترین پیوند میان مهاجر و دیگری (غیر مهاجر) است؛ این دورا در موقعیتی یکسان قرار می دهد و به ویژه در جغرافیای فرهنگی گسترده زبان فارسی که جابه جایی متعدد مرزها صورت گرفته است، زبان و ادبیات مشترک همدلی و پیوند را ممکن می کند.

قابل تامل است که وجوهی از جابه جایی متوجه خود زبان نیز خواهد بود و به طور مثال این جابه جایی در شعر بیدل دهلوی با نیاکانی از ترکان جغتایی که خود زاده عظیم آباد هند است بروز می کند و لحن و محورا دچار دگرگونی می سازد، اما او و خواننده ای که اشعار او را می خواند می تواند بهانه ای برای گفتگو فراتر از مرزها باشد.



هنرمندان  
رضا اکبری  
زهرا امانی  
مهرناز پرتوی  
رضا پورحسینی  
هانی تاج  
عاطفه جعفری  
علی جمالی  
جعفر رضا زاده  
میلاد عزیزی  
زهرا غفاری  
سمانه مرجبا  
ماهان مقصودی  
فروغ نوعی

کیوریتور  
مجید ضیایی

۱. نگران [نِگَر] بیننده. آنکه می بیند و می نگرد. نگرنده. توجه کننده. شاهد بر حادثه‌ای که واقع شده است. ناظر بر وقوع امری یا چیزی بودن (لغت نامه دهخدا). دورانی که در آن زندگی می‌کنیم عصر بحران‌های متعدد و پشت سر هم است. خیلی عجیب است که عمر یک انسان کفاف دیدن بزرگ‌ترین دگرگونی‌های زیستی را می‌دهد. خبرهایی حاکی از گرمایش زمین، خشکسالی، انقراض گونه‌های جانوری که در نیم قرن گذشته در اخبار و مجلات طرح می‌شد امروز در تجربه‌ی فردی هر یک از ما قابل ردیابی است. خاطره‌ی رفتن به کنار رودخانه یا شنا کردن در دریاچه‌ای که دیگر نیست، خشک شده است.

1. Observ-  
er [Negaran in Far-

si] viewer, someone who  
views a spectacle; an onlooker or  
spectator. Someone who watches. A wit-

ness for an incident. Observing an order or a  
thing. (Dehkhoda Encyclopedia) The time we are living  
in, is the stage of different compressed crisis. It is indeed  
strange that the life span of a human fulfills observing the greatest life

upheavals. News such as global warming, draught, the extinction of animals,  
which was mention during the previous half a century stated on the news and maga-  
zines, could be followed in our individual experiences. The memory of walk- ing on the side  
of or swimming in a lake, which is not existed anymore, and it is dried out. The air you could once  
breathe in, the sea, which was clean, and the land, which was fertile. This exhibition observes  
such events and invites others to view as well.

2. Witness [also Negaran in Farsi]: one who sees or has personal knowledge of something,  
someone that serves as evidence, to wait for (Moin Dictionary)

هوایی که روزی می‌شد در آن نفس کشید، دریایی که تمیز و پاکیزه بود، زمینی که حاصلخیز بود.

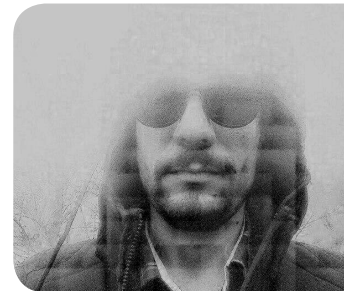
این نمایشگاه ناظر بر همین وقایع هست و دیگران را نیز به تماشای آن فرا می‌خواند.

۲. نگران [نِگَر] منتظر. چشم به راه. انتظار دارنده. مترصد. مضطرب.

دل مشغول. مشوش (فرهنگ فارسی معین).

رضا اکبری  
متولد ۱۳۷۱، بیرجند

Reza Akbari  
Born 1992, Birjand



او کارشناسی صنایع دستی خود را در گرایش سفال از دانشگاه بیرجند به سال ۱۳۹۳ دریافت کرد و دوره‌ی کارشناسی ارشدش را در رشته هنر اسلامی گرایش سفال در تبریز گذراند. در سال‌های دانشگاه و پس از آن در حوزه تولید سرامیک و کارهای محیطی فعالیت دارد. اکبری در دومین جشنواره مجسمه‌های نمکی نهبندان که به صورت استانی برگزار می‌شد شرکت داشته و اثر او جایزه نفر دوم را از آن خود کرده است.

#### نایاب [نای "دورگشتن از چیزی (لغتنامه دهخدا)]

۷۰ در ۲۰۰ سانتی متر/ دبه پلاستیکی نیمه شفاف، حروف گلی کلمه آب، چیدمان تصویر/ دریاچه و تالاب هامون سومین دریاچه بزرگ ایران پس از دریاچه خزر و ارومیه، هفتمین تالاب بین‌المللی جهان و یکی از ذخیره‌گاه‌های زیست‌گه در ایران است. دریاچه هامون مدت‌هاست با بحران بی‌آبی روبروست و خشک شدن بخش‌های وسیعی از آن موجب به وجود آمدن مشکلات مختلف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی در سطح منطقه شده است. تنها راه حل این مشکل، آب‌رسانی به این تالاب می‌باشد، اما به دلیل محرومیت‌های این خطه مسئله احیای هامون در اولویت نیست، آب‌رسانی به این دریاچه سراب است، آبی است که آب نیست، خاک است، نایاب است.











### زهرا امانی

متولد ۱۳۷۳، اردبیل

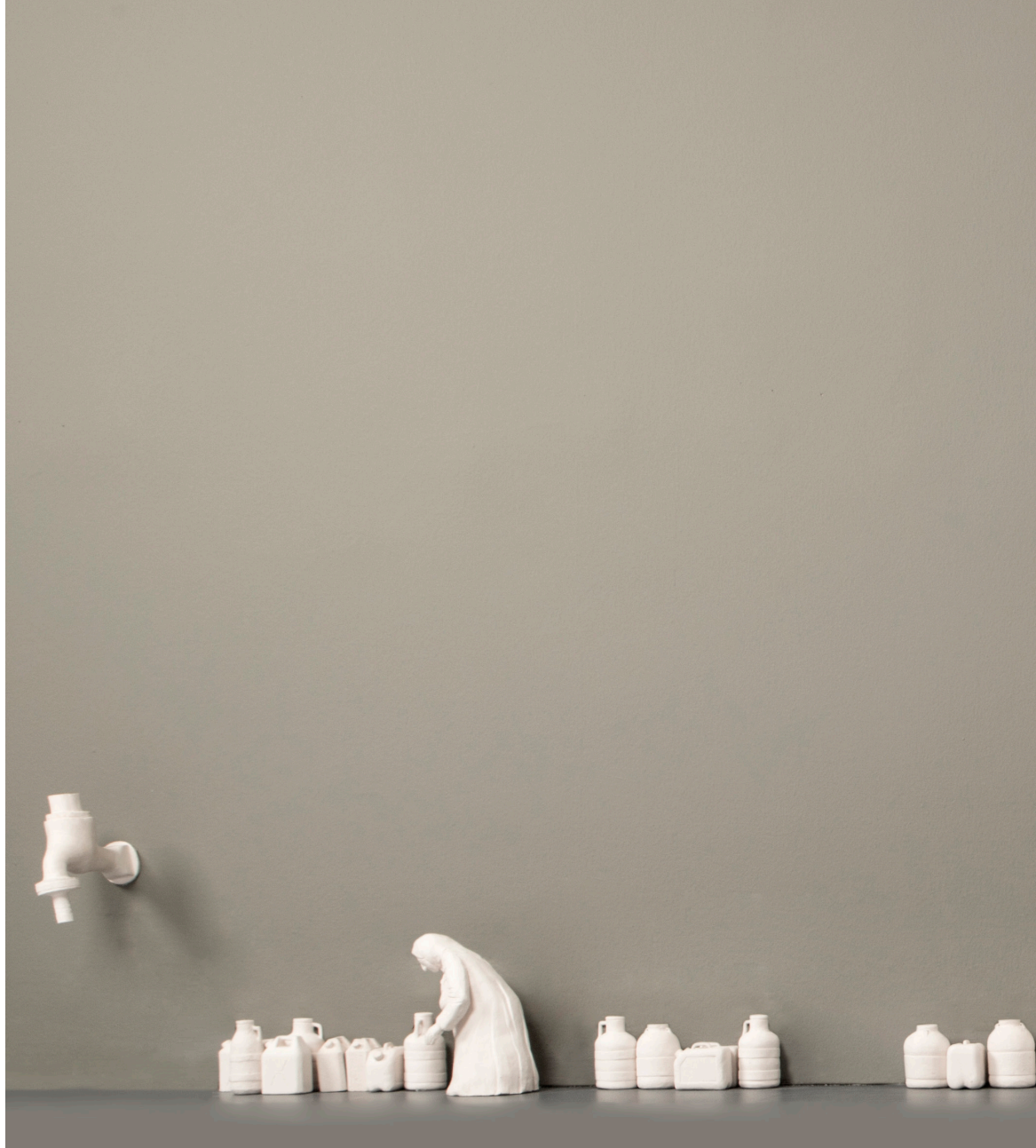
Zahra Amani

Born 1994 Ardebil

او مدرک کارشناسی هنر اسلامی اش را در گرایش سفال و به سال ۱۳۹۶ از دانشگاه هنر اسلامی تبریز دریافت کرده است. پروژه پایان نامه خود را در ارتباط با تعامل سرامیک و ارگانیزم‌های زنده گیاهی کار کرده است. تمایل به ارائه چیدمان و رویکرد زیست محیطی در بیشتر کارهای او دیده می‌شود.

### حق آبه

۲۵ در ۴۰ در ۲۵۰ سانتی‌متر / بدنه ارتن‌ور سفید / خیلی از ما تجربه‌ی ایستادن در صفی طولانی را داشته‌ایم. برای مثال صف‌های شلوغ سهمیه نفت، شیریارانه‌ای، گوشت کوبنی و نان، از ذهن خیلی از ما، هنوز خارج نشده است. بعضی صف‌ها از گذشته تا اکنون ادامه داشته‌اند؛ و نه تنها از بین نرفته که درازای آن و چندین برابر هم شده است. مثلاً تصویرتانک‌های آب شیرین در میدان‌های اصلی شهر و انتظار عده‌ای آدم گالن به دست برای مقدار معینی آب. بازتولید این موقعیت و تکثیر این صفوف، امروزه بیش از هر هنگامی در حال وقوع است. چرا که سرانه‌ی هدر رفت آب، کاهش آب زیرزمینی، مدیریت غلط منابع آبی، و گسترش آلودگی آبی در سطح کلان، آینده‌ی تامین آب ما را به خطر انداخته است.





**مه‌رناز پرتوی دیلمی**  
متولد ۱۳۶۱، رشت

**Mehrnaz Partoovi Deylami**  
Born 1982, Rasht

او یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی ارشدش را در رشته‌ی هنرهای اسلامی، گرایش سرامیک و مدرک کارشناسی خود را با همین گرایش در رشته صنایع دستی دریافت نموده است. در زمینه تولید محصولات سرامیکی کاربردی فعالیت دارد و تاکنون در رویدادها و نمایشگاه‌های متعددی کارهای چیدمانی یا پروژه‌ی محیطی ارائه نموده است.

#### **آنچه روی آن ایستاده‌ایم**

قطر قطعه بزرگ ۵۰ سانت و ارتفاع ۱۵ سانتیمتر/ بدنه ارتن و سفید، نقاشی با انگوب سیاه / بسیار ناگوار است که وجود ما در کوه‌ی زمین از اصل یکه‌پارچه‌ی "تعالد زیستی" جدا افتاده است. یعنی با توجه به تاریخ زندگی بشر بر روی زمین، از جایی به بعد دست به دست هم داده‌ایم تا در ایجاد و گسترش زنجیره‌ی "عدم تعادل" در محیط زیست شریک باشیم. ناگوارتر آن جاست که اکنون و بعد از گذشت سال‌های زیادی از شروع بی‌تعالدی با منشاء انسانی در زیست‌بوم، به سوگواری اتوپیای "زمین پاک" ایستاده‌ایم؛ و دست به اقداماتی نه‌چندان بنیادی برای جبران و نجات بخشی می‌زنیم. اما دور یا نزدیک خواهیم فهمید که آب رفته به جوی باز نمی‌گردد که ما با تسخیر و تعرض، محیط زیست را تبدیل به مساحت زیست خود کرده‌ایم، هر چند بی‌تعالد، هر چند نابودکننده....





رضا پورحسینی  
متولد ۱۳۷۱، مینودشت

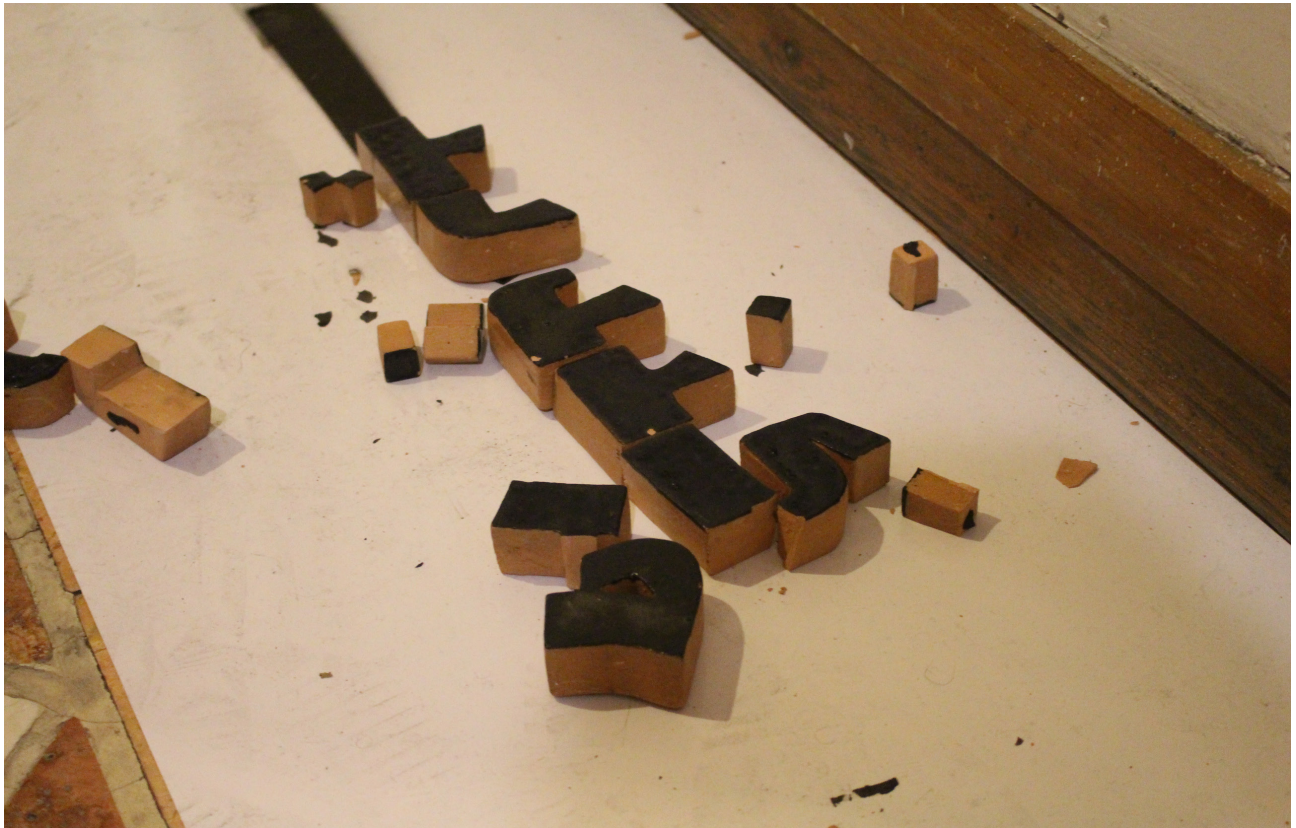
Reza Pourhosseini  
Born 1993, Minudasht

او یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی ارشدش را در رشته‌ی هنرهای اسلامی، گرایش سرامیک و مدرک کارشناسی خود را با گرایش شیشه، در همین رشته دریافت نموده است. او در زمینه هنرهای عمومی/اجتماعی فعالیت دارد و به عنوان گرافیک دیزاینر با گروه‌های هنری همکاری می‌کند. وی تاکنون در چندین رویداد هنر محیطی و مشارکتی حضور داشته است.

**"مُحْتَمَنُ" (کسی که در حال مرگ و جان‌کندن است). طول**  
چیدمان ۱۵ متر، عرض ۴۰ سانتی‌متر، ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر/  
چیدمان؛ بدنه از تن ور+ چاپ استنسیل روی پوشش  
پی‌وی‌سی/این کار بر بنیان خود، اقتدا می‌کند به یک بیت از  
بیدل دهلوی: "به انگشت عصا هر دم اشارت می‌کند پیری/  
که مرگ این جاست یا اینجاست یا اینجا". که این بیت، بیش  
از هر چیزی، از سوی ناآگاهانه‌ی مرگ‌ها بیم دارد: این‌که مرگ  
به سان "پی‌خبری" ای لامکان و گم‌شده در زمان، حیات را  
احاطه کرده و گریزناپذیر پدیدار می‌شود.  
مرگ نه تنها وقوع‌اش خوفناک است، بلکه وقتی در قامت  
"کلمه" و حروف هم ظاهر می‌شود، همان ابهت را دارد.  
پدیده‌ای که هر لحظه در کمین قدم‌های ما می‌نشیند و به قول  
هایدگر، پایان تلخ هستی است. پایانی که توان اختیار انسان  
را به چالشی عمیق می‌کشاند و او را بی‌قرار می‌کند؛ شاید  
ترس از مردن، به‌عنوان حسی همه‌گیر، در موجودات قابل  
بازشناخت باشد.

موضوعی که امروز شاهدیم، ایجاد "مرگ" و سرعت بخشیدن  
به زوال محیط زیست و تخریب الگوواره‌های حیات توسط  
انسان است. انسانی که با گسترش زندگی ماشینی در  
زیست‌بوم، در منطقه‌ی مرگ‌پذیری هم‌نوعان خود و  
موجودات دیگر می‌گذارد؛ یعنی دستکاری‌ای بی‌زبان‌بار و  
پیش‌دستی در "این‌جا" بودن یا "این‌جا بودن" و یا اینجا  
بودن لحظه‌ی قطع شدن از حیات؛ به‌گونه‌ای که همه، به  
مانند محتضراتی بی‌نام و نشان، در صحرای عالم سلانه سلانه  
می‌رویم و نمی‌دانیم که به کدامین اشاری عصا جانمان از تن  
در خواهد رفت.







هانای تاج  
متولد ۱۳۵۹، لنگرود

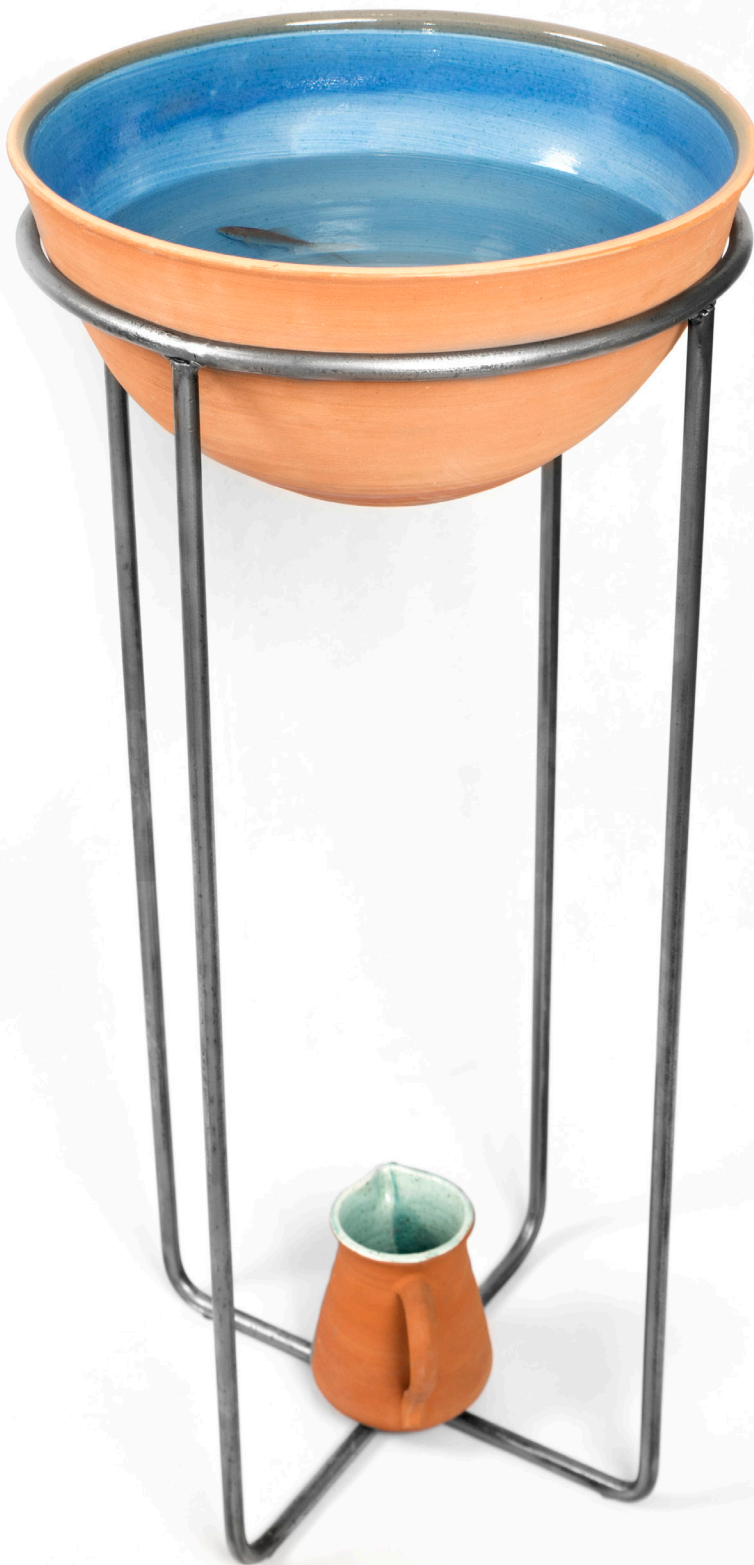
Hani Taj  
Born 1980, Langerod

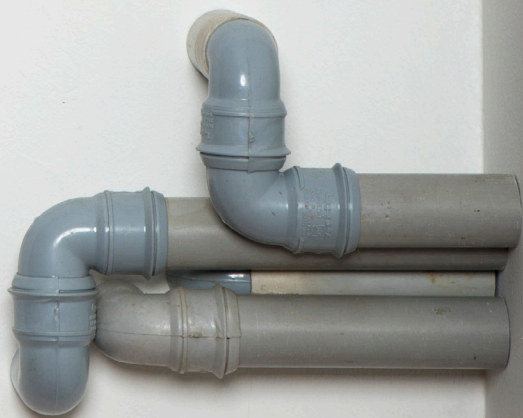


او کارشناسی ارشد خود را در رشته پژوهش هنر از دانشکده هنر دانشگاه شاهد دریافت می‌کند و کارشناسی خود را در رشته صنایع دستی از دانشگاه هنر اسلامی تبریز از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ فعالیت‌هایی در زمینه مرمت آثار تاریخی چوبی انجام داده است. فعالیت‌هایش در زمینه سفال از همان سال‌ها آغاز شده و تا کنون ادامه دارد. در حال حاضر به طراحی و تولید محصولات کاربردی سرامیکی اشتغال دارد.

#### اضطراب

لعاب فیروزه‌ای بریدنه ارتن ور رسی، پایه فلزی / ۴۵ در ۴۵ در ۱۱۰ سانتی متر / آینده برای انسان، نادیدنی و نامعلوم است؛ اما نتیجه‌ی کارها و تأثیرات اکنون اوست. با این حال، بشر دغدغه‌مند تنها به فکر "حالی" خود نیست، و به فردا هم می‌اندیشد و یک پی‌قراری دائمی با اوست. مثل آن‌جا که رضا براهنی می‌گوید: یک سوزش مکرر پنهانی همواره با من است؛ و برای رفع این عطش و خنک شدن این سوزش، باید به فکر «آب» بود. آبی که همواره اضطرابش را می‌کشیم تا مبادا در آینده تمام شود و حیات جانوران را دچار تردید کند. در این کار، ماهی‌هایی که به عنوان طعمه صیادان در شهر لنگرود فروخته می‌شدند، از بستر خود جدا شدند و دیگر طعمه نیستند؛ و با انتخابشان برای این کار به نوعی نجات یافته به سمت آینده محسوب خواهند شد. در طول نمایشگاه هم قطره قطره آبی که از محل زندگی ماهی خارج می‌شد توسط افراد حاضر در نمایشگاه به آن برمی‌گشت، تا حیات ماهی‌ها ادامه یابد.









عاطفه جعفری ثالث  
متولد ۱۳۵۲، تبریز

Atefeh Jafari Sales  
Born 1993, Tabriz

او در حال حاضر در تبریز دانشجوی کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی با گرایش سرامیک است. دوره کارشناسی اش را نیز در همان رشته و شهر گذرانده است. پروژه‌های متعددی در حوزه کارهای مکان ویژه با استفاده از مدیوم سرامیک در رزومه خود دارد.

### خَلْط

۸۰ در ۱۰۰ سانتی متر / لعاب فیروزه ای  
بربدنه ارتنور، لوله پلیکا مستعمل /  
درآمیختن، فرایندی است که ماهیت دو یا  
چند چیز که مفعول این فعل واقع شده‌اند  
را دچار تحول می‌کند و ماهیت جدیدی  
به هردو می‌دهد. این که آن چیزها پس  
از این فرایند به کدام یک از چیزهای اول  
شبيه هستند در ماهیت اولیه‌شان نهفته  
است، مثل آب، که اگر آب پاک و پلید  
با هم درآمیخته شوند دیگر قابل تفکیک  
نخواهند بود و این محلول جدید به پلیدی  
شبيه تراست تا پاکی. گویی خَلْط جزئی  
از فرهنگ ماست که نه تنها به واسطه بی  
توجهی به زیستمان آب پاک باران را با  
پلیدی فاضلاب در می‌آمیزیم بلکه خودمان  
نیز آمیخته‌ای از پاکی و پلیدی شده‌ایم، ما  
به کدام شبيه تریم؟!.

علی جمالی  
متولد ۱۳۶۴، اصفهان

Ali Jamali  
Born 1984, Isfahan



او کارشناسی و کارشناس ارشد خود را در رشته هنرهای اسلامی و گرایش سفال از تبریز دریافت نمود. در حال حاضر به عنوان مدرس دانشگاه مشغول به فعالیت است. در چندین سمپوزیم، جشنواره و نمایشگاه تا به حال شرکت داشته است و عضو گروه چارخشت است. او در رابطه با فعالیت‌هایش می‌گوید: «در این تنگنا که مرا ضرورت افتاده است برنوشتن پیشینه، امر بر من دشوار آمده، چرا که شاید این ناتوانی در بیان "آنچه انجام شده" خود تعبیر به غروری شود که بر قاموس پاک هنر (هونره = مرد خوب) لکه‌نگی باشد.

اما قسم به این خاک و آب که فلسفه وجودی ماست، سخت اعتقاد دارم که این راه را بایسته و شایسته است عمری شاگردی کردن! و صد افسوس که استاد در این دوره بس نایاب است و شاگرد تنها مشق می‌کند. شاگرد مشق می‌کند و مشق را نمره استاد می‌دهد. در این جایگاه که نه استادی هستم که بیاموزم و نه شاگردی که بر تلمذ استادم فخر فروشی کنم، از نگاه خود دستم را خالی می‌بینم و اعتراف می‌کنم که هیچ نکردم.»

#### قدمگاه

۱۲۰ در ۱۲۰ در ۵ سانتی متر / لعاب احيایي پريدنه ارتن ور رسي / «خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: هر نخست زاده‌ای را که رحم بگشاید، در میان بنی اسرائیل، خواه از انسان خواه از بهایم، تقدیس نما؛ آن من است او» (تورات، کتاب خروج، ۱۳: ۲-۱) آن توام من، هی بکشیدم، گر که ز غوغا وز سرسودا سرکشتم این جا، سربریدم....





جعفر رضازاده  
متولد ۱۳۶۰، تبریز

Jafar Rezazadeh  
Born 1981, Tabriz



او در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی در تبریز با گرایش سفال است. مدرک کارشناسی خود را از همان دانشگاه و در همان رشته دریافت نموده است. رضازاده در اولین دوره سمپوزیم مجسمه سازی خشت خام یزد شرکت نموده و کار او به عنوان یکی از آثار برگزیده انتخاب شده است. او در حوزه ارتباط سرامیک و فضاهای معماری تا به حال کارهای متعددی انجام داده است.

#### اهداف پروازی

۸۰ در ۱۲۰ سانتی متر/ لعاب ترانس و طلا  
بریدنه سفید ارتن ور، هدفون بخش صدا/  
شکار برای انسان لذت بخش است و  
ضامن بقای او. همین حس رقابت انسان  
شکارچی، بعدها رشته‌ی ورزشی تیراندازی  
به اهداف پروازی زنده را هم ایجاد کرد؛  
اما این بار، مسابقه‌ی شلیک کردن به  
کیوتران، برای نمایش تیزبینی و برتری از  
دیگران بود، نه برای رهایی از گرسنگی.  
بعدتر و در سال ۱۸۸۰ جورج لیکوفسکی  
کیوتران را از تیرشکارچیان رها کرد و اهداف  
سرامیکی را به جای آن‌ها به آسمان فرستاد.  
در واقع بشقاب‌های پرنده سپربلای  
پرنندگان شدند. این کار متشکل از تعدادی  
بشقاب سفید تیر خورده با لبه طلایی و  
یک فایل صوتی است.





میلاذ عزیز  
متولد ۱۳۶۹، گچساران

Milad Azizi  
Born 1991, Gachsaran

او یکی از دانش آموزان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی ارشد را در رشته هنر اسلامی گرایش سرامیک و مدرک کارشناسی را در رشته هنر اسلامی گرایش هنر شیشه دریافت نموده است. او در زمینه سرامیک معاصر با رویکرد هنر تعاملگر در جریان هنر و زندگی روزمره و نقاشی فعالیت دارد و تا کنون در چندین نمایشگاه سرامیک معاصر و نقاشی در داخل و خارج از ایران و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی شرکت داشته است.

#### صویر اسرافیل

تعداد ۹ قطعه سوتک سفال ابعاد ۱۰۰ در ۳۰ دره سانتی متر / بدنه از تن ور، بند چرمی QR -cod مرتبط با نرم افزار اسکن گوشتی هوشمند (لینک سایت‌های خبری مرتبط با هر یک از جانوران در حال انقراض) / لطفاً تماشاچی نباشید! اسکن کنید و سوت بزنید. شاید همه آن‌هایی که خود را به خواب زده‌اند بیدار شوند. یا شاید آن‌هایی که دیگر نیستند؛ به صدای سوت شما زنده شوند. این یک بازی است. بازی شکار و شکارچی. فرآیندی که پیش از این آغاز شده و همچنان نیز ادامه دارد. بازی مردن و زنده شدن. روایتی تاریخی از هم‌گونه‌ها، با جهان زیست مشترک و درگیر کنوانسیون‌هایی همچون سائیس (کنوانسیون منع تجارت جانوران تهدید شده). آیا کسی به دنبال بازسازی هست؟ آیا کسی به دنبال درک جهان زیست مشترک هست؟ چه کسی اسرافیل می‌شود و می‌دمد؟



زهرا غفاری توران  
متولد ۱۳۷۱، آزادشهر

Zahra Ghaffari Touran  
Born 1992, AzadShahr



او کارشناسی صنایع دستی‌اش را در گرایش سفال از دانشگاه هنر شیراز دریافت می‌نماید و کارشناسی ارشد را نیز در گرایش سفال از دانشگاه هنر اسلامی تبریز، پایان نامه ارشد او طراحی و ساخت ظرف غذای پرندگان بود که رویکردی زیست محیطی را در آن دنبال می‌کرد. او تا به حال در رویدادهای هنر محیطی با تمرکز بر ساخت سفال در مرکز پلور شرکت داشته و در حوزه عکاسی هم فعال می‌باشد.

#### دگردیسی

۲۵ در ۵۵ در ۱۵ سانتی‌متر/ انگوب زنگی بریدنه ارتن ور، زیاله‌های پیدا شده در ساحل دریای خزر/ دفن زیاله در ساحل و رها کردن آن در دریا نه تنها باعث از بین رفتنش نمی‌شود که موجب نابودی تدریجی اکوسیستم نیز خواهد شد. در واقع زیاله‌ها در دنیای امروز تبدیل به یک سلاح کشتار جمعی بشر، علیه موجودات دیگر این کره خاکی و حتی خود انسان شده‌اند. وجودشان در دریا روزانه موجب مرگ و از میان رفتن شمار زیادی از ماهی‌ها و آبزیان می‌شود. در این کار زیاله‌های جمع‌آوری شده از ساحل دریای خزر، در شکم ماهی جمع شده‌اند تا مشتی باشند از خروار خروار پسماندی که دریا را به گند کشیده‌اند.









سمانه مرجبا  
متولد ۱۳۷۱، تبریز

Samaneh Marhaba  
Born 1992, Tabriz

او یکی از دانش آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی ارشدش را در رشته‌ی هنرهای اسلامی، گرایش فلز و مدرک کارشناسی خود را در گرایش شیشه دریافت نموده است. در زمینه‌ی طراحی و ساخت زیورآلات معاصرو عکاسی (دیجیتال و آنالوگ) فعالیت دارد و آثاری را در چند نمایشگاه در این زمینه‌ها ارائه نموده است.

#### آبریز

ارتفاع بدنه اثر ۳۳ سانتی متر/ کوزه سفالی، گچ، انگوب، دیوار روایتگریس زمینه اثر/ در افسانه‌های کهن بشری از بابل گرفته تا یونان، در حوزه علائم مربوط به صورفلکی، با یکی از الگوهای دوازده‌گانه به نام "آبریز (دلو)" روبرو هستیم که بنابر داستان‌ها، سرچشمه‌ی تمام زیست و مایه‌ی حیات زمین بوده و نمایشگر مردی است که جامی در دست دارد و نهری از آن جام بر تمام هستی جاری است. بشرامروزی در چنین نقطه‌ای از تاریخ، تا آنجایی پیش رفته که برای دستیابی به آخرین سرچشمه‌ی حیات، می‌تواند از آسمان‌ها نیز فراتر برود و حد و مرزهای طبیعت را درهم شکند. دیوارهای بزرگ (سدهایی) که به بهانه‌ی تأمین و ذخیره‌سازی منابع آبی و حیاتی بیشتر ساخته می‌شوند، چیزی جز نابودی و خشک شدن جام آسمانی را در پی ندارند. سدهایی ضخیم و مرتفع، با حبس میلیون‌ها متر مکعب آب (حیات) که کوچکترین روزنی در خود باقی نگذاشته و موجب تخریب و تهدید جدی اکوسیستم و زیستگاه‌های وابسته به آن می‌شود. سدسازی‌های بیرویه در ایران باعث فرسایش خاک، افزایش رسوبات، شوری آب و صدمه به کشاورزی شده‌اند. در واقع بستن هرگونه سد بر روی آب، به مانند بستن و سد کردن راه اندیشه تهدیدی جدی محسوب می‌شود. همانطور که پویایی انسان بر مبنای جریان اندیشه‌ی او صورت می‌گیرد، اگر آب را کد باشد، زندگی نیز از جریان باز می‌ایستد..









**ماهان مقصودی**  
متولد ۱۳۶۶، کرند

**Mahan Maghsoudi**  
Born 1987, kerend

او یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی خود را در رشته هنرهای اسلامی گرایش شیشه دریافت نموده است. او در زمینه فیوزینگ شیشه، ساخت حجم‌های سفالی و هنر مفهومی فعالیت دارد و تاکنون در نمایشگاه‌های متعددی حضور داشته و کارهایی در حوزه چیدمان ارائه داده است.

#### کوفضرب | کوبیدن هر نوع ضرب‌المثل

قطرهاون: ۴۰ سانتی‌متر / چیدمان ویدئو، هاون سرامیکی، قیف فلزی، بطری شیشه‌ای / درپس هر ضرب‌المثل، داستان و روایتی اغلب مربوط به گذشته وجود دارد؛ که نقطه‌ی اوج و پیام کلی این روایات، به‌عنوان "مَثَل" باقی مانده و بقیه‌ی اجزای حکایت جز در کتاب‌هایی مربوط به شناخت مَثَل‌ها، در جای دیگری یافت نمی‌شود. در واقع با حذف شدن پیشینه‌ی ساخت هر ضرب‌المثل، در گفتار روزانه، مَثَل‌ها از بستر تولید خود خارج و خانه‌های داستانی جدیدی پیدا می‌کنند. بهتر بگوییم؛ هر ضرب‌المثل، در کاربردی چون گفتار و نوشتار، دلالت معنایی متن‌باز دارد و می‌تواند گواه بر اتفاقات و حالاتی در حال و آینده باشد؛ هر چند که خاستگاه اولیه‌اش در یاد نمانده باشد. این‌جا و در این‌کار نیز همین اتفاق خواهد افتاد: ضرب‌المثلی بدون نیاز تکیه‌دادن به داستان شکل‌گیری‌اش، از حالت عادی گفتار جدا شده و به‌عنوان مفهوم اصلی یک اثر هنری در راستای کاویدن امر "بیهودگی" استفاده می‌شود؛ (پرواضح است که "آب در هاون کوبیدن" به‌عنوان کنایه‌ای از عبث بودن فرآیند و نتیجه‌ی یک کار فرض می‌شود). انگار که الان، و در خلال سرگشتگی اجتماعی و حیران‌ماندگی همگانی، هر کاری در راستای تغییرات گسترده و بنیادی در زیست و زیست‌گاه‌مان، نوعی کوبیدن آب بی‌نشان در هاونی سرد و خشک در گوشه‌ی کارگاه هستی است. این کاری است که هر چند محکم و جدی انجام بپذیرد، باز هم بدون فایده می‌شود و سودی ندارد.



فروغ نوعی  
متولد ۱۳۷۴، اردبیل

Forough Noei  
Born 1995, Ardabil



او یکی از دانش‌آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. مدرک کارشناسی‌اش را در رشته‌ی هنرهای اسلامی، گرایش سرامیک دریافت نموده است. در زمینه‌ی سرامیک و حوزه‌ی هنرهای جدید فعالیت دارد. در اولین سمپوزیوم مجسمه‌ی خشت خام اسفند ۱۳۹۶ یزد حضور داشته و عنوان استعداد جوان را کسب کرده است. همچنین در رویدادهای هنر محیطی و ارائه‌ی آثاری محیطی شرکت داشته است.

#### ریزگرد

ابعاد: ۱۰۰ در ۱۰۰ (مکعب و نقشه)، ۵۰ در ۴۰ (عکس‌ها) / ریزگرد همانگونه که از اسم آن برمی‌آید آنقدر ریز است که شاید آثار آن را نیز کوچک بشماریم ولی در واقعیت چنان نیست. طرح انتقال برخی شهرهای جنوبی ایران به جایی دیگر کلید خورده و پیش از آن مردمان شهر در حال مهاجرت یا یافتن مکان‌های دیگری هستند که حداقل امکان زیست برایشان فراهم باشد.

در این پروژه، میزان ریزگرد موجود در یک متر مکعب هوای شهرهای دزفول، آبادان، خرمشهر به صورت دقیق محاسبه شده و به صورت خمیر گل درآمده، از این خمیر برای مهر کردن نام هر یک از شهرها بر روی نقشه استفاده شده است.



